

نشریهء مباحثوی

دولت را فاسد میسازند یا دولت خود، فساد پیشه میکند؟

استفسار پیوند میان فساد و حکومتداری محلی در افغانستان



منیژه گردیزی، کَرِنِ هِسْمَن، و یما ترابی

این نشریه توسط انستیتوت جامعه باز افغانستان (FOSIA) تمویل گردیده است.

در مورد نویسنده

منیژه گردیزی بانوی افغان (و تبعه آلمان) پژوهشگریست که در حال حاضر مدیریت برنامه حکومتمداری خوب افغانستان را که ماستری پالیسی ملی جامع در دانشگاه پالیسی ملی ایرفرت است، به عهده دارد. موصوفه از سال ۱۳۷۹ بدینسو در افغانستان و روی مسایل افغانستان کار کرده و قرار است عنقریب رتبه دکتورای خودش را از پوهنتون آزاد برلین بدست آورد.

کرن هسمن پژوهشگر ارشد مرکز منابع مبارزه با فساد اداری انستیتوت مسیحی میچلسن (U4/CMI) ناروی، و پژوهشگر آزاد است. به صفت متخصص پالیسی ملی، وی طی چهارده سال گذشته روی مسایل مرتبط به حکومتمداری و مبارزه با فساد اداری در آمریکای لاتین، افریقا و آسیا کار کرده و پژوهشهای متعددی را در افغانستان نیز انجام داده است.

یما ترابی در سمت معاون سیاسی، با تجربه ی بیشتر از پنج سال کار و پژوهش روی مسایل حکومتمداری، فساد اداری، مسئولیت پذیری و شفافیت در افغانستان ایفای وظیفه نموده است. وی در حال حاضر رئیس موسسه دیده بان اصالت افغانستان است و قبلاً در بخش کمک های بشری در داخل و خارج از افغانستان ایفای وظیفه نموده است. موصوف رتبه دکتورای خود را از انستیتوت علوم سیاسی در پاریس بدست آورده است.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل تحقیقاتی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه تحقیقات و پژوهش با کیفیت در عرصه های مختلف جهت اطلاع رسانی و آگهی دهی، و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فعالانه فرهنگ پژوهش و مطالعه را در این کشور ترویج دهد. این اداره سعی مینماید تا زمینه های بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی را در کشور فراهم سازد که متصور است باعث بهبود و پیشرفت فکری و ذهنی در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.

سپاسگذاری

نویسنده گان این نشریه از چهارصد مصاحبه شونده، و جمع صاحب نظران اشتراک کننده در این پژوهش که معلومات و نگرش های آنان در طول چند سال در اکمال این نشریه معتبر محسوب میگردد، اظهار سپاس و امتنان نموده و از ویراستاران این نشریه نیز برای نظریات و پیشنهادات شان؛ و از گروه کاری واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان همچنان برای حمایت شان در قبال نشر این پژوهش سپاسگزاری مینمایند.

منیژه گردیزی، کرن هسمن، و یما ترابی

جوزا ۱۳۸۹

© ۱۳۸۸، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل ارزیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله ی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد شده و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده ی که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (+۹۳) بدست آید.

فهرست

۱. معرفی.....	۵
۲. فساد در افغانستان.....	۷
۳. فساد و ساختارهای حکومت داری محلی.....	۱۴
۴. دست آورد های ضد فساد در افغانستان.....	۱۹
۵. مفاهیم و چالش ها.....	۲۲

اختصارات:

شورای انکشافی محل	CDC
اداره عمومی مستقل مبارزه با فساد اداری	GIAAC
حکومت افغانستان	GoA
اداره عالی نظارت	HOO
ریاست مستقل ارگانهای محل	IDLG
دیده بان اصالت افغانستان	IWA
برنامه همبستگی ملی	NSP
اداره انکشافی و همکاری مالی	OECD
کنوانسیون ملل متحد در مورد مبارزه با فساد اداری	UNCAC

معرفی:

"ده بدل استملاک زمین های مه و تقریباً ۷۰۰ نفر دگه، ده یک ساحه بسیار دور از شهر کابل به ما زمین دادن و علتش ایی بود که شاروالی کابل تمام زمین های نزدیک به شهر ره به زورمند ها توزیع کرده."

باشنده ساحه پُل سوخته، شهر کابل،

در پیامد های انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ که تقلب های وسیعی در آن ملاحظه میگردید، فساد، یکی از نگرانی های میرم مردم و یکی از مشکلات عمده ی فرا راه سیاست افغانستان و در سیاست های که برای افغانستان مطرح میگردید، به شمار میرفت. اخیراً، مطالعه که توسط دیده بان اصالت افغانستان انجام یافته نشان میدهد که مردم افغانستان فساد را، با تمام انواع و اقسام آن، مشکل درجه سوم در سطح کشور شان دانسته و تنها نا امنی و بیکاری را در سطوح بلند الویت ها قرار میدهند. فساد اداری معمولاً موضوع متمرکز مباحث سیاسی و گفتگوهای همگانی شده و این در حالیست که تقاضای اجراءات عملی توسط دولت در این زمینه مکرراً به میان آمده و تشدید میگردد. در ماه جدی سال ۱۳۸۸، شورای ملی افغانستان اکثریت نامزد وزیران پیشنهادی رئیس جمهور کززی را به دلایل مختلف، از جمله فساد و عدم کفایت و نا شایسته بودن آنها رد کردند. جامعه جهانی موقف روشن خودش را در این مورد اتخاذ نموده و تاکیدات جدی برای عملکرد سریع و جدی دولت افغانستان برای مبارزه با فساد اداری، و مخصوصاً رهبری اداری و سیاسی داشت. و اینچنین، رسانه های افغانستان، مخصوصاً رسانه های صوتی و تصویری، بصورت مداوم قضایای فساد و اظهارات در مورد فساد اداری را به نشر سپرده و بدینگونه باعث شکلدهی مباحث همگانی و تقاضا برای اجراءات و عمل در این زمینه میگرددند.

با وجود اینهمه گفتگو ها و مباحث داغ، قابل تذکر است که فساد اداری موضوع تازه ی برای افغانستان نیست؛ اما در چهارچوب مفاهیم مشخصی چون شرایط جنگ و یا بعد از جنگ، این پدیده بعد از رژیم سیاسی طالبان به تدریج سیر سعودی را پیمود. با اهمال قابل توجهی در قبال جدیت روند مبارزه با این پدیده، فساد اداری در حالیکه تا سال ۱۳۸۵ منحیث مشکل جدی و یا حتی، به نظر بعضی از فعالین ملی و بین المللی، یک پدیده خطرناک محسوب میگردید، امروز، فساد اداری به گونه ی روز افزون مشروعیت دولت افغانستان و حضور جامعه جهانی در افغانستان را زیر سؤال برده است. این موضوع، تهدید جدی یست برای ثبات، صلح و زیربنا سازی در کشور.^۲ مردم افغانستان میپندارند که ارتباط میان مردم و دولت این کشور مشابه اصطلاح "اقتصاد بازار" شده و آنها در این تشبیه "فساد" را "واحد پولی" جدید برای افغانستان میخوانند.^۳

دولت افغانستان راهبرد جامعی را برای مبارزه با فساد اداری در افغانستان تهیه و تصویب نموده و و با ارگان جدیدی به نام اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، مصوبه راهبرد متذکره را جهت اجراءات عملی به آن واگذار نمود و با ایجاد واحد مبارزه با جرایم سنگین، صلاحیت پیگیری قضایای فساد اداری در سطوح عالی را به آنها تفویض نمود. جامعه جهانی حمایت و کمک های تخنیکی و مالی خود را برای تلاشهای مبارزه با فساد اداری بگونه قابل ملاحظه ی برای این نهاد وسعت داد و تعدادی از ارگان های جامعه مدنی نیز در راهکار مبارزه با فساد اداری گام برداشتند.^۴

هرچند هنوز پیش از وقت است تا در مورد کارایی راهبرد و تلاش های مبارزه با فساد اداری صحبت شود، اما نارسایی ها در دانش چگونگی مبارزه با فساد اداری، راهکار و تمرکز بر چگونگی محو این پدیده واضحاً قابل ملاحظه است.

کشور های بعد از جنگ، مثل افغانستان، مخصوصاً، به عناوین مختلف در محیط چند قانونی، در معرض فساد اداری قرار میگیرند. پژوهش های تجربی و علمی نشان داده اند که گسترش فساد اداری مبتنی و استوار بر نقطه ضعف نظام است.^۵ برخی از انواع فساد، اساس و بنیه های دولت را به نوعی نامشروع و غیر قابل اعتماد میسازد که گویی تهدابی برای برگشت دولت به جنگ و منازعه و کشمکش گذاشته میشود. رسیده گی همزمان به تمام انواع فساد نا ممکن است، از اینرو، بسیار مهم و ضروری است پالیسی سازان بدانند که کدام نوع فساد در پروسه دولت سازی از همه مخرب تر است، و علت آن چیست؟

به منظور شرکت در بحث های پالیسی سازان ملی و بین المللی روی واکنش های بالقوه در ارتباط به پالیسی سازی، فساد اداری در سطح فرو ملی در افغانستان محراق توجه این نشریه بوده است. این نشریه روی چهار موضوع پژوهش نموده است:

۱. فساد در افغانستان، از چشم انداز محلی دیده شده و به سطح فرو ملی تحلیل و تجزیه گردیده است،
۲. پیوند میان حلقه فساد و قدرت، حکومتداری محلی و دولت سازی،
۳. راهبرد های موجود در امور مبارزه با فساد اداری؛ و
۴. تطبیق پالیسی.

^۱ این سروی قرار است در ماه جولای ۲۰۱۰ نشر گردد. به صفحه انترنتی www.iwaweb.org مراجعه نمایند.

^۲ ک همسن، پاسخ مشترک دونر ها در مورد فساد در افغانستان (پاریس: او ای سی دی ۲۰۰۹)

^۳ ام گردیزی "تجربه افغانها از فساد: مطالعه در هفت ولایت افغانستان" دیده بان اصالت افغانستان ۲۰۰۷

^۴ دیده بان اصالت افغانستان نهاد مهم مرتبط جامعه مدنی است که روی امور پژوهش، نظارت و دادخواهی موضوع فساد اداری در افغانستان تمرکز دارد.

^۵ به ک همسن، ام تینستین ال، "اصالت در دولت سازی" برای تیم ضر فساد او ای سی دی، ۲۰۱۰ مراجعه کنید.

با نگاهی از چشم انداز دولت سازی،^۶ چگونگی تاثیرگذاری فساد اداری روی ارتباط دولت و جامعه و مشروعیت دولت در ارتباطات رسمی و غیر رسمی با ارگانهای مشروع محراق توجه این نشریه قرار دارد. تحلیل فعالیت های وابسته به فساد اداری در سطوح ولسوالی ها و ولایات، با در نظر داشت افزایش سریع منابع و تفویض اختیارات و صلاحیت ها به ارگان های فرو ملی، جداً قابل تامل و ضروری است. و از آنجائیکه ۸۰ فیصد افغانها روستانشین اند،^۷ فهم چگونگی، و رسیده گی به فساد در سطح فرو ملی برای ایجاد فضای اعتماد میان مردم و دولت برای مشروعیت دولت، بسیار مهم و ضروری است.

انواع فساد مربوط به محلات شناسایی شده و در سطوح شورا ها یا جرگه ها^۸ و شورا های انکشافی محل تا سطح مقامات ولسوالی ها، و ولایات و اداره مرکزی مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته؛ و روابط میان بخش رسمی دولت و ساختار های ضد دولتی (مثل شبکه های قاچاق مواد مخدر و شبکه های جهادیان) نیز شرح گردیده اند.

سوالات ذیل راهنمای انجام این پژوهش بوده اند:

- وضعیت فعلی فساد در افغانستان چیست؟
- از دیدگاه افغانها، فساد چگونه شکل گرفته است؟ کدام انواع فعالیت های مرتبط به فساد قابل برداشت بوده و یا نبوده اند؟
- کدام نوع فساد در سطوح محلی و ولسوالی ها قابل دید اند؟ میان کدام فعالین انجام می یابد؟ تاثیر گذاری آنان در اینکه مردم از دولت چه برداشتهای میداشته باشند، تا چه حد است، و آنها انجام امور دولت را چگونه متأثر میسازند؟
- چه راهکارهای برای رسیدگی به فساد مورد استفاده قرار گرفته اند؟ تلاشهای به سطح ملی چگونه با سطوح محلی در ارتباط بوده و به این تلاشها توسط ادارات محلی چگونه پاسخگویی صورت گرفته است؟
- در تلاشهای فعلی فساد اداری چه خلاء های وجود دارند، و راهکار ها و فرصت های احتمالی برای تغییر تا چه حد است؟

این نشریه بر اساس پژوهش به روش کمی است که متکی به طیف وسیعی از هر دو منابع ابتدایی و ثانوی معلوماتی است. جمعآوری معلومات ابتدایی در مورد فساد اداری، حکومتدار محلی، فعالیت های انکشافی به رهبری مردم محل، نمودار سازی منازعه/فعالین، و دولت سازی توسط مؤلفین میان سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ در ۱۱ ولایت افغانستان بدخشان، بغلان، بامیان، بلخ، هرات، کابل، کندز، لوگر، ننگرهار، تخار، و پکتیا انجام گردیده است. حدود ۴۰۰ مصاحبه های انفرادی و ۲۵ بحث های گروهی روی موضوع در ۵۸ قریه، ۱۰ مرکز ولایات و شهر کابل انجام یافته است. توجه روی رعایت توازن در پسمنظر مسلکی و اجتماعی، و سطوح عواید مصاحبه شونده گان که شامل مقامات دولتی، دهاقین، معلمین، تجار، فرهنگیان، عالمان دین، اعضای شورای ملی، و کارمندان جامعه مدنی و ارگانهای بین المللی اند، صورت گرفته است. توازن جنسیت را همیشه دایماً رعایت کرد (بطور مثال، در ارگانهای دولتی و جامعه مدنی کارمندان زن کمتر از کارمندان مرد بودند)؛ حدود ۶۰ فیصد مصاحبه شونده گان مرد بودند. در نهایت، این نشریت به شیوه بررسی مشارکتی ترتیب گردیده قسمیکه هر سه مؤلف در ظرفیت های مختلف شامل موضوعات مورد نظر بودند که به خود آنان نیز منعکس میگردد.

^۶ او ای سی دی دولت سازی را به حیث یک پروسه تقویت ظرفیت، ارگانها، و مشروعیت دولت تعریف کرده است. به "مفکوه ها و مشکلات دولت سازی در وضعیت های وخیم" او ای سی دی مراجعه کنید.

^۷ دولت افغانستان اخیراً تخمین زده است که ۲۰ فیصد نفوذ شهری است "ارزیابی آسیبپذیری و خطر ملی ۲۰۰۸/۲۰۰۷" احصاییه مرکزی.

^۸ یک شورا یا جرگه گروه تصمیم گیرنده محلی است که به موضوعاتی مثل منازعات در محل رسیدگی میکند.

۲. فساد در افغانستان

وجود فساد در هر جامعه میتواند درک و تشخیص شود. فساد بر نورم و اساسات هر جامعه صدمه می زند، جوامع همواره از نگاه خصلت و عملکرد های قابل قبول و غیر قابل قبول از هم تفکیک می گردند، لذا هر جامعه تلاش می ورزد تا یک تفاهم مشترک از ساختار فساد در بخش های مختلف داشته باشد.^۹ طوریکه جامعه با نورم ها و اساسات موجوده آن در تغییر است نوع و طرز فساد نیز در تغییر است فساد در هر فرهنگ یک پدیده متحرک و قابل توافق است.

لذا چوکات بندی فساد باید دارای مفهوم خاص خود باشد این مطلب دارای اهمیت خاص در نشست های بعد از جنگ می باشد که بطور خاص متمایل به اشکال مختلف فساد در محیط چند فرهنگی و همواره در رقابت با نورم ها و توقعات عامه می باشد.^{۱۰}

زمانیکه جامعه جهانی به دسته قوانین و نورم های خودش رهبری می شود که بطور متداوم و یکنواختی خاصاً تحت چتر ملل متحد و کنواسیون ضد فساد (UNCAC) قرار دارد نورم های محلی قبلی قوانین و توقعات قبلاً تعیین شده ممکن در تقابل با آن قرار گیرد.^{۱۱}

به سطح جهانی یک تعریف جامع قابل قبول خاص و جدید برای فساد وجود ندارد تعریف معمولی و عمومی عبارت از استعمال ناجائز و غلط قدرت عامه و صلاحیت دولتی برای منافع شخصی می باشد یک ارزیابی ضد فساد که اخیراً به سطح جهانی صورت گرفته تعریف اصلاحی ذیل بخاطر که تعریف سیستماتیک از فساد را شامل گردد، ((استعمال ناجائز از صلاحیت و اعتماد برای منافع ناجائز)) اصطلاح ((صلاحیت با اعتماد)) احتوا می کند افراد را همچنین فساد سیستماتیک را تحت سیستم های وراثتی جدید و تسلط دولتی اصطلاح ((ناجائز)) اشاره به حقیقت دارد که تمام اموال فساد بطور ضروری نا مشروع نیست. و بطور واضح فهمیده می شود که عادلانه نیست منفعت ناجائز به یک فامیل یا فرد یا گروه فایده میرساند.^{۱۲} (UNCAC) یعنی کنواسیون ضد فساد ملل متحد یک تعریف از فساد را ارائه نمی کند ولی یک سلسله از اعمال فساد را دسته بندی می کند بقسم اعمال جنائی، دقیقاً زیرا یک تعریف جامع قابل قبول قابل دسترسی نبود.

۲.۱ دور نمائی افغانی مبنی بر فساد: جامعه افغانی مفهوم خاص خود را مبنی بر ساختار فساد دارد.

که اکثراً بر پایه تجارب مستقیم استوار است که شامل رشوه ستائی، اختلاس، اغفال و عدم همکاری قدرتمندان، سرقت های از دارائی های دولتی و همچنین دیگر عملکرد هائی غیر قابل قبول مثل معاشات گزاف که به متخصصین خارجی پرداخت می شود (که مطلب بعداً طور فشرده در این بخش بحث میشود).

بعضی از این عملکرد ها به صفت فساد صنف بندی نمی گردد توسط پالیسی سازان ملی و بین المللی بطور مثال به تجربه گرفتن تعلل مهم یا مواجه شدن به مشکلات بیروکراتیک کاغذ پرانی مشکل تراشی یک حقیقت نورمال در زندگی هر شهروند افغان است.

نمودار ۱: تجارب فساد و آگاهی شهروندان افغان:

فشرده سروی ناظران افغانستان در ۲۰۱۰ نشان میدهد که سکتور دولتی سراسر غرق در فساد است. زیاده از آن موسسات کمک رسان، سکتور خصوصی، احزاب سیاسی یا رسانه ها هم آلوده در فساد هستند تقریباً از دو نفر یک نفر از مسئولین که خدمات دولتی را انجام میدهند (۴۶ فیصد راپوردهی شده که فساد را تجربه می کنند) انواع رشوه که برای تعداد زیاد خدمات دولتی به شمول سیستم محاکم پرداخت می گردد. (ده فیصد از خانواده ها که با ایشان مصاحبه صورت گرفته) پولیس (ده فیصد) گمرکات و مالیه دهی (۶ فیصد) تذکره و پاسپورت (۷ فیصد) زمین، برق و ترانسپورت (۵ فیصد هریک) و تحصیلات عالی (۴ فیصد). زمانیکه این سروی بررسی خاص از سطح بلند فساد را بررسی نمی کند معلوم می شود که شهروندان از آن باخبر می باشند. از جمله مسئولین آنها تیکه اظهار عقیده نمودند ۷۸ فیصد مبین آنست که دولت و سیاست های دولت و بازار تحت کنترل زورمندان می باشد. اکثریت قاطع را باور بر آن است که گروه های سازمان یافته توزیع، فروش و اداره زمین را بدست دارند.

مقدار پولیکه در رشوه دهی و دیگر اشکال فساد بمصرف می رسد سر سام آور است. یک تخمین از ۴۰۰ الی ۶۰۰ میلیون دالر امریکائی در سال ۲۰۰۶ که الی سال ۲۰۰۹ به ۷۰۰ میلیون الی ۱ بلیون رشد نموده است.

^۹ مستر ام اندرسن میکائیمز های ضد فساد که باعث معضلات می گردد» اوراق که در تگراس پیشکش گردید به عنوان جنجال فساد و کنفرانس ساختار صلح در مکتب فلیچر پوهنتون تفتش ۲۰۰۷.

^{۱۰} مستر ام فیلپ «ساختار صلح و فساد» حفظ صلح بین المللی ۳۱۰ ۲۷.۲۰۰۸/۳/۱۴

^{۱۱} مستر K هوسمان ابر تیسنی ات ال «اتحاد عمل در ساختار دولت» اعمال ضد فساد با عینک دولت سازی " (پاریس برای OECD تیم تلیقه ای ضد فساد ۲۰۱۰) www.oecd.org/dac/governance/ **corruption** اعتراف بر اهمیت نورم ها و قوانین محلی به قسم خصلت های قابل پذیرش و غیر قابل پذیرش و فساد بد هر مفهوم سیاست و اجتماع (سوشیو پولیتیکل) فرصتی به معنی عمل کردن بر خلاف یا دیگر گونی کردن مناسبات فرهنگی نیست. بلکه نسبتاً حقیقی است نقطه آغاز از آنجا به حرکت تدریجی به سوی استندرد های جهانی مثل همان هائیکه در UNCAG اکتاء نموده که در آن افغانستان یک دولت تنظیمی است.

^{۱۲} تمام نقل قول ها درین پاراگراف از نمایندگی همکاری انکشافی ناروی طروق ضد فساد یک مرور ادبی (اوسلو۲۰۰۸) یک ضعف این تعریف عبارت از اینست که استعمال نا جائز ارقام ممکن انتخاب شخصی را هویدا کند. به هر صورت فساد به پیمانیه وسیع و سیستماتیک وابسته به شخص نیست. بلکه نسبتاً یک بخش فشردهاز چگونگی که سیستم هائی سیاسی و اداری ساخته شده و چگونه اکتور هائی سیاسی باید عمل کنند به خاطر اینکه از ادامه روند یقین حاصل کنند و گروه خود شان از مسائل سیاسی و منابع اقتصادی کنترل نمایند.

اگر حد اوسط رشوه ازدیاد یافته، یک بخش قابل ملاحظه ازدیاد رشوه مربوط به توسعه رشوه دهی و رشوه ستانی در هر قدم زندگی افغان ها وجود دارد. نه تنها در آمد شهروندان را متاثر می سازد بلکه وجوه پولی دولت را هم شامل است. در بسیاری حالات رشوه بخاطر عدم پرداخت مالیه دولت داده می شود جهت حصول یک موقف انحصاری در یک سکتور خاص یا بکار برد نیاز های عامه که مجانی توسط دولت انتقال می یابد. باور بر آن است که این منافع از دست رفته ممکن زیاد تر از بودجه بازگشت شونده دولت افغانستان باشد ولی برآورد های فشرده تا حال محاسبه نه شده.

تا حال مسئولین گزارشات که داده اند باور می شود که رشوه خواسته می شود. انواع زیاد فساد معمول فهم واضح این مطلب است. روش بنیادی فساد در افغانستان ۱۳ عبارت از فرمان ۲۰۰۸ است که یک ماه بعد از کنفرانس بین المللی پیشتیبانی از افغانستان به امضاء رسید. (یعنی کنفرانس پاریس) و در مارچ ۲۰۱۰ اصلاح گردید. فرمان مذکور قانون ضد فساد قبلی افغانستان را جاگزین است که اداره عمومی مستقل ضد فساد را بوجود آورد در ۲۰۰۴ و اداره عالی نظارت (HOO) را ایجاد نمود. قانون مثل کنوانسیون ضد فساد ملل متحد (UNCAC) فساد را تعریف نمی کند. ولی یک لست طولی از تمرینات را ارائه میدارد (ماده ۳) که مشرح عملکرد های فساد است.

اینها مشتمل اند بر رشوه تحفه، اختلاس، دزدی حیف و میل، جعل کاری در وقت رسمی انجام دادن کار های شخصی چلوگیری از تطبیق عدالت و غیره. قانون جزا افغانستان که از سه دهه زیادتر کهنه می باشد درک قانونی فساد را محدود می سازد به شکل کهنه اش که اکثراً راجع به رشوه است. فرمان مارچ ۲۰۱۰ اداره عالی زد فساد را به تفویض قدرت پروهشی اش است تقویت می کند.

فساد به اشکال مختلف واقع می شود این گروه های مطالعاتی به چهار بخش وسیع تقسیم می گردد بخاطر اینکه توجه زیاد خود را در رابطه بین مردم و دولت و قانون گذاری دولت معطوف بدارند. اگر چه تمام این اشکال جزء از بخش تحلیل فساد که در بخش ۳ تحلیل گردیده میباشد اینها عکس العمل های مختلف پالیسی را ایجاب می کند هر دو در سطوح ملی و محلی.

۱. همکاری های عقیدتی یا اداری بین شهروندان افغان و مامورین دولت واقع می شود. معمولاً به شکل رشوه رشوه و بخشش به اندازه های خورد و به تناوب بیشتر نسبت به همکاری عالی و ممکن تقاضا گردد و یا در بدل انجام کاری پرداخت شود این نوع فساد اکثراً تاثیر مسقیم بالای شهروندان میگذارد. خاصاً مردم بی بضاعت را به همین ترتیب به ظرفیت دولت در ارائه خدمات.

۲. فساد زیاد وقت واقع می شود که بازار آزاد و دولت مواجه می شوند رشوه و تحفه به پیمانیه وسیع باز پرداخت را در بر دارد در نقطه تصمیم گیری هائی قاطع سکتور خصوصی بطور مثال در تهیه اموال و خدمات، حین کشف منابع طبیعی و غیره وقتیکه این شکل فساد مسقیماً بالای شهروندان تاثیر نگذارد (اگر چه مقدار عظیم پول را از انکشاف و اعتلا به نفع عده قلیلی می چرخاند) و صاحبان صنایع کوچک را به شکل وسیع تر متاثر می سازد.

۳. فساد در موسسات میتواند مربوط به تقرری های سیاسی سرقت واختلاص باشد. این قسم فساد توجه زیاد موسسات دولتی و جامعه جهانی را به خود جلب نموده است.

۴. اکثراً شهروندان رامستقماً و موسسات دولتی را از نگاه اعتماد وقانونمندی متاسر میسازد.

۵. عملکرد های غیر عادلانه وقابل قبول جامعه جهانی توسط بسیاری افغان ها به شکل یک فساد مشاهده گردیده. این مسئله نه تنها قانونمندی و اعتماد جامعه جهانی را متاثر میسازد بلکه مؤثریت کمک را نیز خدشه دار میکند.^{۱۴}

فساد اداری بین شهروندان و دولت

شکل بسیار قوی و به سرعت رشد یافته فساد در افغانستان عبارت از رشوت^{۱۵} است در رژیم هائی قبلی ارتباطات فامیلی حزبی قومی و شخصی یک نقش مهمی را در دست یابی به خدمات دولتی بازی میکرد. ولی از ۲۰۰۱ به بعد یک روند رو به رشد به سوی فساد مالی وجود داشته واسطه دیگر مؤثریت خود را از دست داده نسبت به دادن رشوت بغل خود را بخار دست مرا گرم کن شربنی شکرانه پیسه چای مصرف راه، کرایه راه، تیلیفون خراب شد حال من خراب است هدیه، تحفه^{۱۶} و غیره لغت ها معمول و مروج شده.

دیگر انواع فساد تاثیر به سزائی در کیفیت خدمات و یا هم دسترسی به آن را سخت متاثر میسازد. تجاوز جنسی بطور مثال که تا حال به شکل عملکرد با فساد شناخته نه شده در قانون افغانستان یا کنوانسیون تشویشی بزرگ بر دوشیزه ها و خانواده هائی شان گذاشته وقتیکه طالب تحصیلات عالی^{۱۷} خود میباشد

^{۱۴} قانون بر سر پرستی و اجرا استراتژی هائی ضد فساد (جریده رسمی شماره ۹۵۷، ۲۹ جولای ۲۰۰۹، ۱۸ اسد ۱۳۸۷)

^{۱۵} اصطلاح جامعه جهانی به معنی تمام اکتور هائی ملی دولتی و بین المللی (غیر دولتی) که کمک هائی نظامی انکشافی و بشر دوستانه را فراهم می سازند تمام این چهره ها میتوانند متاثر گردند توسط و یا دخیل گردند در عملکرد هائی که متمایل به فساد هستند و یا از آن آگاهی دارند. اگر چه فساد که راجع می شود به جامعه جهانی از اهمیت خاصی برخوردار است برای عنوان این مطالعه یک مرور دقیق از مسئله خارج از اهداف این اوراق است.

^{۱۶} در سال ۲۰۰۹، ۶۸٪ تمام داد و ستد فساد که توسط افغانها سروی شده همه راجع به رشوت خوری گزارش دهی شده (سروی ۲۰۱۰ IWA's)

^{۱۷} مباحثه گروه محراقی ۲۰۱۰

^{۱۸} جواب به سروی اخیر به محققین گفت که از محصلات دانشگاه کابل همواره خواهش شده و یا مجبور شده اند جنسی در مقابل نمرات خوب و خدمات خوب که مخصلین بیدون چنین تقاضا های دریافت نموده اند (سروی ۲۰۱۰ IWA's).

شاگردان استادان مقامات دانشگاهی حتی ادارات امنیتی که باید در همچو موارد دخالت کنند همه از همچو مسایل آگاه هستند. علاوه بر آن رشوت خوری در خدمات عامه، صحت، زیربناها امور منزل، انرژی و دیگر بخشها باعث ارائه خدمات ناچیز و نابرابر میگردد. بطور مثال یک چهارم خدمت رسانی که تخمین زده شده که مردم از مصونیت که باید از پولیس تامین گردد محروم گردیده اند همچنین از عدالت من جانب محاکم از نتیجه فساد در آن موسسات. آگاهی از محرومیت حتی زیاد تر است و قتیکه سرفراهم آوری انرژی برق صحبت شود (۴۱ فیصد) ولی نسبتاً کمتر است در تحصیلات عالی (۲۱ فیصد) تذکره (۱۵ فیصد) و در اجراء قبالة زمین و جایدادها ۱۷ فیصد^{۱۸} است.

فساد "زیاد" بین اشخاص و دولت: فساد زیادتر معمولاً چرخاندن قوانین به مفاد سکتور خصوصی و اشخاص با نفوذ و یا گروپ هاست. مثال های فراوان در افغانستان وجود دارد ولی اکثر مشکل است که تفکیک گردد زیرا قضیه ها حساسیت سیاسی را در بر دارد و معاملات صورت میگیرد بین یک تعدادی افراد قلیل با نبود فتنه که از یکدیگر گزارش بدهند بهر صورت مسائل مربوط به فساد مافیای زمین و خانه ساختن به همه معلوم است^{۱۹}. جواز های توريد اشیاء قیمتی به شمول مواد ساختمانی، تیل همواره به افراد داده می شود که وابسته به مقامات دولتی می باشند که از موضوع نیز عامه مردم خبر دارند. اعطاء امتیاز معدن مس عینک در اخیر سال ۲۰۰۷ نشان میدهد که قانونمندی، مقررات و چار چوپ کاری برای ادارات دولتی باید تقویه گردد. اعطاء امتیاز زیادتر از جانب دولت تحمیل شده بود^{۲۰}.

ولی داوطلبی و آفرگیری برای معدن آهن حاجی گک برای فعلاً معطل قرارداده شده بر حسب درخواست وزارت مالیه تا که میکانیزم زیاد دقیق تر ساخته شود. این مسئله وقتی واقع گردیده که روز نامه واشنگتن پست از اخذ رشوه به اندازه ۳۰ میلیون دالر^{۲۱} پرده برداشت. که بلافاصله توسط وزراء نامبرده تکذیب گردید. بسیار قضیه های کمتر افشاء شده هم وجود دارد یک خلبان از یک شرکت خصوصی در نیمه سال ۲۰۰۹ بیکی از نویسندگان گفت که مقامات دولتی اسرار میورزند که شرکت های خصوصی باید نرخ های خود را بلند ببرند برای پرواز های کابل دوی الی سرحد ۸۰ فیصد تا که شرکت های دولتی را حفاظت کرده باشند که آنها انواع مشکلات مالی دارند و زیاده ازین قادر به رقابت نمی باشند.

فساد در بین ادارات دولتی

اعمال مفسده که بین ادارات دولتی صورت می گیرد می تواند افشاء گری های مختلف را در بر داشته باشد. مثل خرید و فروش چوکی ها، پرداخت های تسهیلاتی برای مؤلدين بین الدولتی. سرقت و چپاول منابع دولتی. در افغانستان تقرری های اقارب (خویش خوری) از اساسی ترین شکل فساد است^{۲۲}. در مراحل اولی ساختار دولت الی ۲۰۰۴ منطبق تقسیم بندی مقام برای خویشان عمومیت داشت، وزارت خانه ها و موسسات مستقل یک رنگ بودند. و قتیکه به تمایلات سیاسی کارمندان شان رسید از سطوح مرکز الی ولایات. بهر صورت درین اواخر دار و دسته های چند بعدی خویش خوری وابسته به گروه های مختلف سیاسی قادر به سرایت کردن به هر اداره بوده. نفوذ والی ها و قوماندان های محلی، بطور مثال تقرر رواساء ادارت کلیدی را رقم میزند، اگر چه پیشرفت های قابل ملاحظه صورت گرفته، خاصاً توسط کمیسیون خدمات ملکی، تقرری های پائین تر از ولایت کارمندان بلند رتبه همواره به سنگینی تحت نفوذ دار و دسته ها قرار دارد. (بخش ۳ را مطالعه کنید).

خرید و فروش پست ها در جاهای پر درآمد چون گمرکات عواید شاروالی، قوماندان های پولیس در ولسوالی های غنی رئیس املاک وزارت زراعت و مالداری در ولایات، اینجا نیز بازم یک اندازه پیشرفت های صورت گرفته خاصاً در گمرکات ولی زیاد از این هم اصلاحات ضرورت است. بطور مثال رئیس گمرکات در ولایات جنوبی، که در رأس یک گروه از ملیشیاء نیز قرار دارد. هنوز هم به هدف تقابل به تولید و انتقال ۴۰ میلیون دالر به مرکز قادر نه شده آنمقداریکه توسط وزارت مالیه سال قبل تعیین گردیده بود^{۲۳}.

شکل دیگری فساد بین دواير دولتی عبارت از اخذ رشوه توسط کارمندان دولت از دیگر کارمندان دولت است. این مسئله وقتی گزارش داده شده توسط بسیاری از مسئولین که بودجه دولتی از یک وزارت دیگر انتقال میگردد بطور مثال انتقال بودجه از وزارت مالیه بوزارت دیگر یا بین سطوح مختلف دولت مثلاً از سطح مرکز به ولایات یا ولسوالی ها^{۲۴}.

عملکرد هائی ظالمانه یا غیر قابل قبول محلی، موسسات بین المللی

مردم افغانستان و جامعه بین المللی در مسایل بی شماری موقف تقابل را بخود گرفته اند طبق ارقام که توسط نویسندگان جمع آوری گردیده، افغانها باور دارند که بسیاری پولهای کمکی ضایع می شود به مسایل چون معاشات بلند مشاورین و متخصصین ولی افغانها تحت رژیم خاص معاش کار می کند، داشتن

^{۱۸} سروی ۲۰۱۰ IWA's

^{۱۹} افغانها همواره خواستار شهرک های جدید رهائشی هستند بعد از صاحبان قبلی شان که آنها همواره با کارمندان بلند رتبه دولتی بوده اند یا هم خواهر و برادر شان.

^{۲۰} IWA امکانات معدن مس عینک و تهدید برای انکشاف از دورنمائی یک تجارت دوامدار (کایل ۲۰۰۷ IWA).

^{۲۱} جوشوا پارتلو «وزیر های افغان متهم به اخذ رشوه شده» واشنگتن پست ۱۸ نومبر ۲۰۰۹.

^{۲۲} از مصاحبه هائی متعدد اخذ گردیده ۲۰۱۰ ۲۰۰۵.

^{۲۳} مصاحبه نویسنده با یک مامور وزارت مالیه فبروری ۲۰۱۰.

^{۲۴} این تمرینات در یک مصاحبه با یک عضو شورای ولایتی در بدخشان تشریح گردید. در اپریل ۲۰۰۸ و با یک ولسوال در بغلان در جولای ۲۰۰۶.

موتورهای قیمتی، تحایف، سفر خرج‌ها و مهمانخانه‌های پر مصرف که همه شان فساد است.^{۲۵} عنصر حقیقت در این هست که موسسات بین‌المللی همواره مواجه و تحت فشار قرار دارند که پول گروگان بپردازند. که باعث مصارف عجولانه میگردد. و سیستم تهیه و تدارکات هم با حيله و نیرنگ مواجه می‌گردد. مسئولین که درین مطالعات سهیم هستند می‌گویند که بعضی از شرکت‌های امنیتی بطور مصنوعی اخلاص بر پا میدارند تا که قرارداد‌های کاری را تحت امنیت خود قرار دهند.^{۲۶}

قرارداد فرعی و عملکرد دیگری موسسات بین‌المللی است که خالی از فساد نمی‌باشد.^{۲۷} یک تعداد زیاد سیاسیون افغان و مامورین دولت قسماً یا مکمل این قرارداد‌های فرعی را تصاحب می‌کنند.

و قرارداد‌های فرعی اکثراً حاشیه در آمد‌های مهمی را بوجود می‌آورد، مسئله که مردم از آن اطلاع ندارند مستاء جری وصله ارحام در قرارداد منابع بشری توسط اشتراک‌کنندگان شناسائی گردیده به نوع دیگری از عوامل در پیشبرد و وقوع فساد در سیستم تعاون جهانی. معاشات بلند که توسط موسسات بین‌المللی پرداخت میگردد. وظایف را جذاب میسازد ولی دریافت آن اکثراً مستلزم ارتباط با یک متخصص یا یک افغان با مسئولیت بلند تر است.

۲,۲ فساد به سطح غیر ملی

بخاطر این مطالعه، سطح غیر ملی تعریف می‌گردد که مشتمل است تمام ساختارهای دولت عملکردها پالیسی‌ها و عملکرد داخلی با شهروندان که خارج از سطح ملی واقع می‌گردد برای انتقالات مالیه دهی، نمایندگی‌ها، امنیت، عدالت و اجراء پالیسی در افغانستان این مسئله سطوح قراء، ولسوالی‌ها و ولایات را شامل می‌شود.^{۲۸}

اجرای خدمات عامه: یک اقتصاد بازار

اعتراف به اینکه فساد در جمیع ابعاد زندگی افغانها نفوذ کرده و در تمام روابط ذات‌البینی بین دولت و ملت یا سکتور خصوصی دارای بعضی اشکال فساد می‌باشد. "افغانها راجع به اقتصاد بازار"^{۲۹} این واژه خارج از خرید و فروش پست‌ها می‌رود تا طریقه خدمات دولتی را نشان دهد و حفاظت حقوق دارائی‌ها به بازار امتعه شخصی مبدل گردیده. اگر کسی صاحب یک قطعه زمین خاص نباشد بطور مثال میتواند از طریق رشوه دهی بیک دو مامور دولت زمین خریداری کند. حتی اگر کدام کسی خواندن و نوشتن هم بلد نباشد ممکن است که ورود به دانشگاه دولتی را خریداری کند.

در مثال دیگر: معلمین در بسیاری ولسوالی‌ها در بدل پول نمرات عالی میدهند. رشوه می‌تواند بین ۲۰۰ الی ۱۰۰۰ افغانی باشد، مربوط به درجه و موقعیت شاگرد. عین مسئله در دانشگاه‌های کابل و دیگر شهرها صدق می‌کند.

گزارشات حاکی از آنست که شاگرد الی ۵۰۰۰ دالر رشوه هم داده که بنام فیص داخله نامیده می‌شود. تا که شاگرد بتواند در رشته طب یا حقوق شامل گردد. طوریکه قبلاً تذکار یافته نه تنها پول بلکه رابطه جنسی نیز از متعلمات و طبقه انان تقاضا می‌گردد. بستر شدن در شفاخانه‌ها در بدل رشوه صورت می‌گیرد. بطور مثال از ۲۰۰ دالر برای ولادت طفل که مریض میتواند در بدل رشوه تداوی گردد. عین مسائل در شفاخانه‌های نقاط دورتر وجود دارد جائیکه خدمات صحیحی رایگان توسط بعضی سازمانها ارائه میگردد.^{۳۰}

دلالت‌ها و کمیشن کاران

امور جواز سیر عراده جات را طی مراحل می‌کنند از ۴۰۰ دالر گرفته برای اشخاص انفرادی الی ۵۰۰ دالر برای موسسات در ۲۰۰۹ مصرف را در بر داشت. دلالت‌ها در ۲۰۱۰ برای اخذ پاسپورت سه ساله که طبق مصرف ۲۱۰۰ افغانی معادل ۴۲ دالر بود مصرف بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ دالر تقاضا می‌کردند. تحفه یا شربتی گرفتن تذکره بین ۲۰۰ الی ۱۰۰۰ افغانی معادل ۲۰ دالر بود البته طبق نفس و تقاضا مامورین. آوردن لین برق بخانه در کابل در سال ۲۰۰۹ مصارف بین ۸۰۰۰ افغانی الی ۲۰۰۰۰ افغانی (۴۰۰ ۱۶۰ دالر) را احتوا میکرد.^{۳۱} این اشکال فساد اداری و بخششی از مروت بعید بود. اینها بارهای نامتناسب را بالای غربا تحمیل می‌کنند. اینها دولت و جامعه جهانی را یک رنگ بی‌قانون و بی‌اصول می‌کنند یک دهقان در بغلان در سال ۲۰۰۹ چنین اظهار داشت که اگر دولت قادر به کمک ما نمی‌باشد لا اقل مزاحمت هم نکند.^{۳۲}

^{۲۵} پارک ویلتون در تشریک مساعی با دانشگاه «برنده شدن قلوب و دماغ‌ها در افغانستان بررسی مؤثریت از کمک‌های انکشافی در عملیات COIN. گزارش دهی در کنفرانس ویلتون پارک ۱۰۲۲-۲۰۱۰ مارچ ۱۴، ۲، ۱۱، 1= PDF? version=1 Attachment/34085577/wp1022

^{۲۶} این جواب‌ها مشتمل است بر مصاحبه یک تاجر در فیوری ۲۰۱۰ و یک سیاست‌مدار بلند مرتبه نزدیک به جهادی‌های سابق که اکنون شرکت‌های شخصی دارد مصاحبه نموده در اپریل ۲۰۰۶.

^{۲۷} چندین مصاحبه‌ها و مباحثات غیر رسمی ۲۰۱۰-۲۰۰۵.

^{۲۸} به سطح ولسوالی دور از اداره ولسوالی و ادارات خطی مختلف آنجائیکه شورای انکشافی ولسوالی کوپراتیف‌های ولسوالی CDCs و چندین شکل شوراها مثل صحت به سطح قریه ذخیره تخم بزی و شورای زنان به سطح ولایت در کنار اداره ولایتی و ادارات خط اول شورای ولایتی وجود دارد. شورای‌های انکشافی ولایتی و شورای‌های انجمن عملا دین که توسط وزارت حج و اوقاف تاسیس شده.

^{۲۹} مثالها درین پارگراف از گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

^{۳۰} گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

^{۳۱} گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

^{۳۲} گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

ابعاد جغرافیائی فساد

اشکال فساد از یک منطقه به دیگر منطقه ممکن تفاوت کند. ولایات و ولسوالی های سرحدی نسبت به مرکزی نمایانگر فساد متفاوت است. کابل و مراکز دیگر ولایت نسبت به ولسوالی های دور دست تفاوت دارد در ولایات بندری چون ننگرهار بطور مثال سکتور کمرک یک مرکز پر فساد ولی در بامیان یا لوگر محاکم و موسسات امنیتی آلوده تر میباشند. همچنین شاروالی ها طبق باور شهروندان افغان شهر کابل متأثر از سطح بالای فساد می باشد نسبت به مراکز ولایات و شهر ها نسبت به قریه ها زیاد تر آلوده به فساد هستند.^{۳۳}

بهر صورت کابل مقدار زیاد بودجه دولت را مصرف می کند و خدمات بیشتر ارائه میدارد نسبت به مراکز ولایات عین مسایل در مورد شهر نسبت به قریه ها صدق می کند.

ولسوال ها کمتر خدمات عام المنفعه را انجام میدهند نسبت به اداره ولایات و کارمندان ولسوالی ها کمتر چانس برای رشوه ستانی دارند بهر صورت این چانس ها را بوجود می آورند از آن بهره برداری می کنند. بطور مثال ولسوال ها نقش حاکمانه در حل معضلات دارند.^{۳۴} در ولسوالی هاییکه سرحدات پر در آمد ندارند یا هم اقتصاد مواد مخدر ندارند، ولسوال ها خود روستانشینان را وادار می کنند که معضلات ذات البینی شانرا در ولسوالی راجع کنند آنگاه از همچو مسایل ولسوال ها بهره برداری و رشوه ستانی می کنند که همواره به نفع آنکه زیادتر رشوه بدهند فیصله به عمل می آید.^{۳۵}

معلوم می شود که سابقه منطوقی مردم در ساختار و جهت دادن حکومت داری محلی نقش مهم دارند بسیار مردم در بین مردم هزاره و اسماعیله خواستار یک دولت قوی و قابل باور هستند که تساوی حقوق و قانونمدی را توسعه دهد. بسیاری در جوامع سنی تاجک از جانب دیگر خواهان دولت بنیاد گراه و محافظه کار (بر اساس شریعت و قانون دین) می باشند، نسبت به یک دولت محدود و حاضر در زندگی اجتماعی شان این تمایلات عام نمی باشد.^{۳۶} بسیار عوامل دیگر در موقف مردم مؤثر است. چون باشندگان شهری یا (دهاتی) سواد یابی سواد ی ، جنس و فاصله از مرکز ولایتی بطور مثال مردم دهات معمولاً تحمل کمتر نشان میدهند بسوی فساد نسبت به همتای شهری شان^{۳۷} این تفاوت نه تنها سطح عمومی تحمل برای فساد را متأثر می کند ولی همچنین چه انواع بر خورد ها (خصلت ها) را پذیرا گردیده اند و چه انواع را نه گردیده اند.^{۳۸}

کمیشن کارها یک پدیده وسیع شهری

یک تفاوت مهم در بین فساد شهری و روستائی عبارت از وجود کمیشنکارها در شهر ها می باشد این نوع سازمان یافته رشوه ستانی می تواند به صفت دلال ها خوب تعریف شود که در بین ادارات دولتی وجود دارند که غرض اجرا خدمات دولتی کمک شان انتظار برده می شود^{۳۹} که مستوجب فیس نا مشروع از مردم اخذ می شود و کمیشنکار آنرا با مامور دولت شریک و تقسیم می کند^{۴۰} بطور مثال بخاطر طی مراحل هر چه سریعتر اخذ جواز سیر عراده جات ، تصفیه تکس گمرکی اموال و غیره.

یک تعداد زیاد کمیشنکار ها در مراکز ولایات نیز نشانی گردیده اند. بهر صورت در مرکز ولسوالی ها و دهات کمتر می باشند. اگر در ولایات سرحدی چون ننگرهار ، ساختار کمیشنکاری به سطح ولسوالی خاصاً در شعبات مالیاتی و عایداتی وجود دارد.^{۴۱}

از بسیاری منابع و امکانات برای فساد که کمیشنکار ها دارند سه دانه کلیدی می باشد برای نقش بازی کردن شان.

۱. رابط باوری بین کمیشنکار و مامورین که کار ها را بیخار طی مراحل کنند .
۲. رابط بین کمیشنکار و مراجعین.
۳. پیچیده بودن مراحل اداری کار ها و عدم آگاهی مردم از طی مراحل آن که سبب می شود مردم به کمیشنکار مراجعه کنند. تا زمانیکه مقررات پیچیده و تاریک باشد، دستیابی به آگاهی عامه مسبب تقلیل بخشیدن فساد شده میتواند.^{۴۲}
۴. این نوع از فساد سازمان یافته غیر رسمی توسط کارمندان خدماتی خوب پذیرائی می شود طوریکه ایشان تسهیلات خوب از مراحل کار با سهل انگاری و کندکاری بر خوردار گردند، از جانب دیگر آنانیکه قادر به پرداخت نیستند، سست کار و ضعیف و مریض پنداشته می شوند و از دسترسی به خدمات ممانعت می شوند.

^{۳۳} گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

^{۳۴} ولسوال ها در افغانستان می توانند به صفت یک پادشاهی کوچک تحت کنترل دولت تلقی گردد. ولسوال ها بطور نورمال اعمال فشار می کنند بالای قاضی ولسوالی و دیگر سکتور ها و قوماندان پولیس ریاست های متعدد وزارت ها تحت کنترل ولسوال ها نیستند.

^{۳۵} گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

^{۳۶} مصاحبه های متعدد ۲۰۰۵-۲۰۱۰.

^{۳۷} سروی از ۲۰۱۰-۲۰۰۶ IWA's

^{۳۸} مطالعات IWA's "تجارب افغانها از فساد" نشان میدهد که اشکال و تعداد معین از فساد های ارحام توسط افغانها تحمل گردیده.

^{۳۹} از طریق رفقاء دوستان یا پیشنهادات نظریات مامورین رسمی شهروندان که با کمیشنکار ها تماس حاصل می کنند در یک اداره خاص دولتی.

^{۴۰} IWA "تجارب افغانها از فساد".

^{۴۱} مصاحبه های متعدد از ۲۰۱۰-۲۰۰۵

^{۴۲} تجارب از اخذ جواز سیر عراده جات نشان میدهد اینکه ساده سازی دستورالعمل ها به تنهایی نمی تواند نقش کمیشنکار ها را در حاشیه قرار دهد. در حقیقت فقدان آگاهی عامه و کمپاین معلومات به بسیاری ازین اشخاص اجازه داده که طبق معمول بکار خود ادامه دهند.

فساد در موسسات (ادارات) به سطح جامعه

یک آگاهی عامه بین اشتراک کنندگان درین مطالعه عبارت از آن بود که چند نوع معین فساد و استعمال نا جایز قدرت، مثل رشوه خوری، اغفال، علاقیت شخصی در سطوح مختلف ادارات به سطح جامعه پیدا می شود. مثل جرگه ها و شوراها، ملک ها و خان صاحب ها^{۴۳}. طبق ارقام معلوم می شود که موفق سابقه و قانونمندی خود را به قسم حلال مشکلات و ادارات تصمیم گیرنده از دست میدهند.

با فساد بزانو خرید به قسم عامل بیشتر عدم قانونمندی^{۴۴} معضلات به سطح جامعه اکثراً بر اساس تخصیص دادن منابع واقع می شود. از عنوان زمین گرفته به دسترسی به آب غرض اعمال نفوذ بالای دستگاه ها و بازیگران کلیدی دولت، ممکن توسط رشوت بجای تصمیم گیری دسته جمعی حل گردد. بطور مثال فرضاً که جرگه و شورا گزینه های محدود برای اعمال تغییرات داشته باشند اعضاء جامعه از نگاه اقتصادی مستقیماً با ولسوال داخل تماس می شوند که سعی کند مشکلات را به نفع رشوت دهنده بزرگ فیصله کند.^{۴۵} اعضاء ضعیف و فقیر جامعه همه وابسته به حسن عمل شورا و جرگه می باشند که ممکن در دفع حاکم پولدار و واسطه دار کم زور باشند و یا هم زیاد زیر تاثیر احزاب دخیل در منافع چند بعدی و مقدار فساد در حل معضلات باشند.^{۴۶}

فرضاً قانوندانها و یا همنا عنعنوی شان موجود نباشند در سطح ولسوالی و جامعه و اندکی هم در مرکز ولایات، هیچ اداره نیست که با نشست های معضلاتی رسمی و یا غیر رسمی نامتوازن بپردازد. یگانه مرجع عام که شهروندان می توانند برای حل غم هائی شان به آن رو بیاورند همانا کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است. که در مراکز ولایات دفتر دارد ولی فاقد قدرت و ظرفیت سیاسی می باشد. وقتیکه ادارات به سطح جامعه هنوز هم به حل معضلات محلی بکار گرفته میشوند، طبیعت اعضاء و قدرتمندان شان به مرور زمان تغییر یافته بطور مثال تعداد زیاد اعضاء شوراها و جرگه ها موقوف دولتی هم دارند.^{۴۷} یک تعداد تغییرات هر دو سازمان به صفت تمرین جدید صورت می گیرد همگون با آنکه که اکثراً عنعنوی هستند.^{۴۸}

به هر صورت بزرگان محترم محلی گاهی میخوانند میکانیزم تسلط ناجائز را بالای جوامع محلی وسازمان های شان قائم کننده مثل شورای محلی بخاطر دستیابی به منابع بطور مثال در بدخشان قوماندانهای نیرومند جهادی در چندین ولسوالی تلاش کردند که در انتخاب ولایتی اعمال نفوذ کنند برای حصول سهم در منابع دولتی، مثل کمک های پروگرام همبستگی ملی از یک ولسوال در بدخشان گزارش بدست رسیده که بر شورای ولسوالی و ولایتی فشار آورده که مواد ساختمانی را به قیمت گزاف از مالک یک شرکت که شریک باند جرمی او بود خریداری کند.^{۴۹} گرچه همبستگی ملی یک سلسله مقررات دارد که از فساد و خلاف کاری جلوگیری کند ولی هنوز هم حرکات نا مشروع راه خود را در سیستم پیدامیکند.

فساد همچنین معکوساً اربابها را متاثر میکند. در ولسوالی های با منابع اندک ((خاصاً آنهائیکه به سرحد مهم نزدیک نیستند یا کم تجارت و فعالیت مواد مخدر دارند)) ولسوالها ممکن تحت فشار قرار داشته باشند که در آمد کافی نا مشروع بوجود آرند تا بخاطر بقدرت ماندن به مقامات بالائی حق داری کنند (به شمول حفظ سرمایه گذاری شان اگر چوکی را خریده باشند) تا که دارائی شخصی جمع آوری کنند به صفت تولید این در آمد نا مشروع بعضی ولسوالها متکی به ارباب هستند که حل معضلات جامعه را به او راجع کند.^{۵۰} سیستم ساده و به مفاد هردو میباید. ارباب یک کمیشن اندک را خود میگیرد که معضلات زمینداری را به ولسوال راجع کند ولسوال به زور از هردو طرف رشوت میگردد.

۳,۲ اعمال فساد قابل قبول و غیر قابل قبول

یک تحلیل مشرح از انواع خاص فساد نشان میدهد که افغانها روش مزربز بسوی فساد دارند. وقتیکه رشوت عموماً منظور نیست بخاطر تاثیر منفی آن بالای جامعه اگر زندگی بهتر را اجازه دهد قابل تحمل است برای فقرا اگر به صفت آخرین منبع برای انجام کار استعمال گردد.^{۵۱} رشوه یا کمک اندک برای مامورین که معاش کم دارند اکثراً در افغانستان مجاز بوده. گرچه بدترین تاثیر آن بالای فقرا می باشد آنهائیکه حتی کم پول هستند. غربت مجاز میدارد مگر هم چنین تعریف میدارد که چه قابل قبول است و چه نیست طلب رشوه برای نیازمندی گرسنگی اکثراً جرم پنداشته نمی شود. وقتیکه ذکات به فقرا فوراً زمینه دینداری به ذهن می آورد. اسلام دستگیری فقرا را تشویق و توصیه می کند. و هر عملی که موقعیت شانرا را بدتر بسازد اساساً دفع و طرد میگردد. فقرا شدیداً از فساد

^{۴۳} یک ارباب یک رهبر محلی دریک ساحه دهاتی است که او به صفت یک فرد نیمه رسمی بین مردم و اداره دولت عمل می کنند. این نقش از تاسیس اولین دولت افغانی از قرن ۱۸ تا حال ایفاء گردیده اساساً ارباب یگانه رابط به اداره دولتی بوده است. امروز اربابها می خواهند نقش قوی تر را بازی کنند در قراء و قصبات به صفت زمیندار بزرگ دیگر چهره های به سطح جامعه چون میر آب ها، علما نیز در بعضی موارد به فساد دخیل هستند. ولی اینها درین اوراق بیشتر مورد تحلیل قرار نکرده اند.

^{۴۴} این ارقام حین تحقیقات نویسنده در مورد پیشبرد روند انکشافی جامعه در ۴۳ قریه در سه ولایت افغانستان بین السالی ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۹ جمع آوری شده.

^{۴۵} شوراها و جرگه ها ادارات رسمی نیستند و لذا یگانه ضمانت اجرایی شان استئنا قراردادن از اجتماع است. به هر صورت اینها قسمناً توسط قوماندانهای جهادی نقش بازی شده و دلالت جنایتکار قدرت آنهائیکه (همراه با دارودسته شان) مصون از جدا شدن اجتماع میباشند در بسیاری موارد که قوماندان حرف آخری را میزند در شوراها / جرگه ها نقش تنگ برای تطبیق یک فیصله آشکار است.

^{۴۶} مصاحبه ها در سراسر کشور نشان داده که مردم حتماً فیصله شورا / جرگه را قبول می کنند. اگر بطور مثال نقش شورا در یک مشکل زمین به ضرر یک فرد فقیر و ضعیف باشد و لوکه زمین بطور آشکارا حق او هم باشد. از طرف دیگر اگر یک و قدرت او را خریداری کند.

^{۴۷} کی محقق اخیراً گفته است «دو نفر از ۲۵ CDCS مسئله نیکه در فیصله معضلات واضح نقش ادعا کردند. گفته که اینها این نقش را اجرا کردند در ترکیب بزرگان یا به یک طریقه به چهره روحانیون در تقریباً نیمی از کل سروی جامعه معلوم می شود که یک شکل بزرگی از صلاحیت هائی انتخابی و عنعنوی در حل معضلات بکار برده میشود». H نیکسن «چهر تغییر پذیر حکومت محلی؟» شورای انکشاف اجتماعی در افغانستان (واحد و ارزیابی کابل افغانستان ۲۰۰۸) ۳۷ دیگری می گوید ۳۰ الی ۴۰ فیصد اعضاء انتخابی CDC همه از گروه های در حایشه قرار گرفته اند که قبلاً در ساختار قدرت محلی نبودند. Kakerp «درست نواختن NSP بحث روی مشکلات و حل آن توسط شرکاء تسهیلاتی» کابل افغانسان واحد تحقیق و ارزیابی ۲۰۰۵.

^{۴۸} H نیکسن «چهره متغیر ولسوال محلی؟» شورای انکشاف جامعه در افغانستان P Kaker «درست نواختن NSP».

^{۴۹} این عملکرد های مملو از فساد توسط سه دهقان و اخائی تشریح گردید و هم و معلم در شهر خندود در برج می ۲۰۰۵ مصاحبه کردند و در سهم گیری در جلسه CDC در قریه فوتور در واخان.

^{۵۰} بسیاری جوابگوها در دروازه (بدخشان). اندر آب و دهنه غوری (بغلان ۲۰۰۵) و در محمد آغه و خوشی لوکر ۲۰۰۷ این مسئله را در مصاحبه های خود تشریح کردند.

^{۵۱} آقای ۷ تریابی و A دیلتکو دیده گاه افغانها از فساد یک سروری در ۱۳ ولایت (کابل IWA2007) میزبه گردیزی «تجارب افغانها از فساد»

زیاد متاثر میگردند، آنجائیکه وجوه پولی فقرزدائی در جیب های شخص وارد می شود. ولی از آنجائیکه تاثیر آن مستقیم و آنی نیست، این نوع فساد ها در دل و دماغ فقرا خطور نمی کند.

دستورات اسلامی مبنی بر رشوه دهی بطور خاص بر ذهنیت عامه ازین پدیده در افغانستان تاثیر وارد می کند. قسمیکه یک محصل فاکولته شرعیات در دانشگاه کابل اظهار داشت رشوه خوری در اسلام منع و حرام گفته شده وقتی میتواند مجاز پنداشته شود که دیگر طریقه برای اجرا کار وجود نداشته باشد.^{۵۲} شاهدانی از شهروندان که رشوه داده بودند برین منطق تاکید می کردند. اکثرا رشوه نیاز است نه بخاطر اینکه کار ها هر چه زودتر اجرا گردد بلکه بخاطر اینکه کار اجرا گردد ضرورت دیده می شود.^{۵۳} این مطلب در سخن رانی های مامورین دولتی انعکاس یافته انانیکه همکاران خود را حین طلب رشوت ملامت می کردند. بهر صورت قانون جزا افغانستان هر دو رشوت دهنده و گیرنده را محکوم میدارد.

عین تناقض گوئی ها و لواینیکه برای مقاصد مختلف باشد. در نظریات نوع دیگر فساد پیدا شده میتواند و در بین تعداد زیاد عاملین بطور مثال، عطف به سکتور خصوصی که توسعه آن یکی از مشکلات پروسه دولت سازی بوده است و به قسم یک سکتور استراتیژیک برای مالیه دهی دولت و انکشاف متوازن به نظر میرسد وقتیکه فساد یگانه مانع بزرگ در مقابل تجارت تلقی می گردید.^{۵۴} فساد در سکتور تجارت ممکن در عین زمان توجیح گردد نظر به استعجالیت و اهمیت انکشاف سکتور خصوصی^{۵۵}، پالیسی سازان درین عرصه ممکن روش مزبذانه بسوی فساد داشته باشند. و ممکن باید گزینه های مشکل تر را بسازند با عواقب پیچیده. تحمل فساد در مدت کوتاه ممکن پس لگد متوسط المدت یا طویل المدت را در قبال داشته باشید جامعه جهانی اکثرأ اهداف ضد و نقیص و چند بعدی داشته باشند. و در مقابل فساد مذبذب پنداشته شوند. وقتیکه تقاضای بیشتر برای عمل برضد فساد از طرف دولت افغانستان صورت میگیرد. لازم است که مخفی یا آشکارا بگوئیم مامورین سابقه به پیمانانه وسیع در فساد دخیل بوده اند اگر امنیت فراهم نموده اند یا دیگر منفعت هائی انکشافی بوجود آورده اند.^{۵۶}

^{۵۲} مباحثه گروپ محراق ۲۰۱۰

^{۵۳} گردیزی ((تجارب افغانها از فساد))

^{۵۴} بانک جهانی ((افغانستان تجارب دریک لحظه نشست (کابل بانک جهانی) مبارزه علیه فساد در افغانستان : خلاصه از نیازمندی ها به بررسی فساد)) (کابل بانک جهانی ۲۰۰۹) بانک جهانی و همکاری های مالی بین المللی ((تجارب کردن در افغانستان ۲۰۱۰)) موسسه ضمانت های سرمایه گذاری چند بعدی افق های سرمایه گذاری افغانستان یک تحلیل ارزش مستقیم سرمایه گذاری خارجی وحالات در چهار صنایع ((واشنگتن DC سرمایه گذاری چند بعدی وموسسات ضمانتی ۲۰۰۵))

^{۵۵} بطور مثال زمین های دولتی همه بطور دلخوا آماده گردیده وبدون کدام طی مراحل تهیه و تدارک برای صاحبان تجارب با نفوذ در پایتخت، درهرات، کندهار، ننگرهار و بلخ. انکشافات خانه سازی وتعمیر سازی وتعمیر های بلند منزل مربوط به عده قلیلی از سرمایداران بالای زمین های قبلی دولتی یک مثال روشن است. قانون اساسی افغان ماده ۱۴ صرف توزیع زمین را به نیازمندان اجازه میدهد. طوریکه در قانون تشریح گردیده ماده ۶۶.

^{۵۶} طوریکه منظم در تلویزیون افغان گزارش داده شده دیپلمات های غربی همواره در شمال و شرق دیده شده اند با والی هائیکه شرکت های شخصی دارند ومنفعت های خاصی در قرارداد های ساختمانی و وارداتی دارند. اگر چه ادعا فساد علیه تعداد ازین والی ها فراوان است. اقامه مسئله توسط باز خواست گرها هنوز هم بکلی حرام پنداشته میشود.

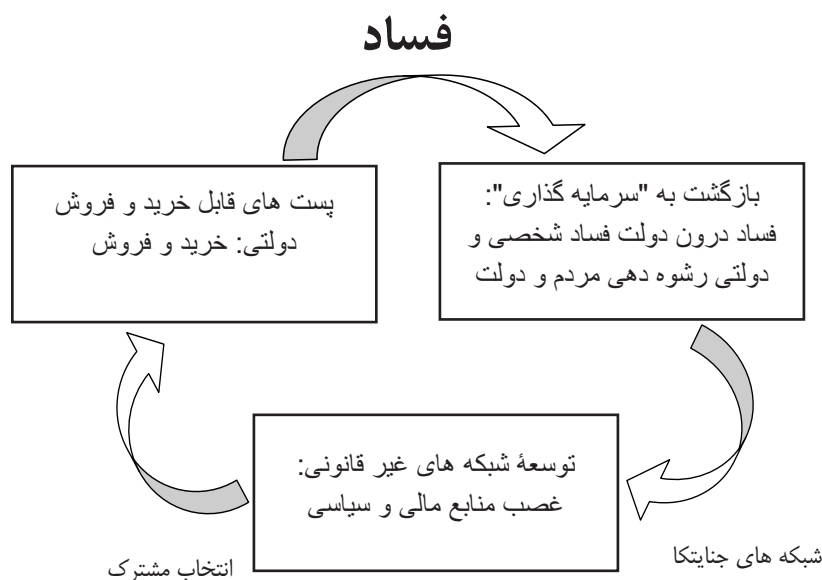
۳. فساد و ساختارهای حکومت داری محلی

۱،۳ دوره های فساد همیشگی و قدرت آن

مقامات دولتی مرکز طی قرن ها وابسته به قدرت و پشتیبانی قدرت هائی محلی بوده و زورمندان غیر دولتی همواره تلاش ورزیده تا قدرت خود را مبنی بر تسلط بر تمام این خاک تحکیم کنند. و بر مرکز کابل حکومت برانند.^{۵۷} امروز یک سیستم ترکیب غیر متجانس وابسته داخلی، رسمی و غیر رسمی از زورمندان وجود دارد با وجود درجه بلند قدرت که از قانون اساسی به دولت مرکزی اهدا گردیده، دولت ملی تسلط محدود بالای روزمندان محلی و منطقوی دارد. جمع آوری و بکار برد منابع در ولایات و ولسوالی ها همواره توسط دار و دسته زورمندان اداره میشود. که دلگرمی اصلی شان بر بقاء کنترل سیاسی شان و تولید منابع مالی برای خود شان و دار و دسته شان تکیه دارد.

و این همه از طریق انواع فساد و خلاف رفتاری قسماً حاصل میشود. به شمول فساد به پیمانہ وسیع و بلند اکثرأً سهمیم و بهره برداری می کنند از این حلقهات قدرت و فساد (شکل ۱ دیده شود) که نه تنها خود را در قدرت نگه میدارد از طریق یک دسیسه منفعت چند بعدی مخفی بلکه بر بقای توازن یک ساختار شکننده حکومتی نیز قرار دارد. از طرف دیگر شدیداً از بنیاد همین دولت و ساختار و تلاش هایش را به تمام سطوح تخریب می کنند. غیر قانونی کردن دولت و موسسات جهانی را یکسان و تلاش می کنند که بنیاد هائی ضد دولتی را پشتیبانی و تغذیه کنند.^{۵۸}

شکل ۱ دایره فساد و قدرت



درین مورد به مباحثه رفتن مصرف می‌خواهد. بخصوص رسیدن به این مطلب از یک دور نمائی حکومت داری خوب یا نورماتیف که این حلقه فساد و قدرت بطور ضروری یک دایره تبهکار است. بر حسپ پاراگراف قبلی و بخش بعدی نشان میدهد. یک واقعه واضح نیست که تمام انواع فساد همیشه اساساً ضربه بر حکومت و ساختار دولت داشته باشد به این دلیل واژه مستنکف «دایره فساد و قدرت» بعداً استعمال و درین اوراق تشریح می شود.

طوریکه در بخش دوم خاطر نشان گردید. اشغال پست دولتی به منظور دسترسی به منابع مالی و سیاسی یک صورت دایمی در دولت افغانستان را بخود گرفته.^{۵۹} مقامات سطوح مرکزی وابسته به پشتیبانی حاکمان محلی و منطقوی است برای رسیدن و باقی ماندن در پست های بلند دولتی مقامات ولسوالی ها و ولایات همواره وابسته به حاکمان محلی و منطقوی است و نسبت به پست شان مقامات سطوح مرکزی. در عین زمان حکومت مرکزی تلاش می‌ورزد که عده از روزمندان غیر رسمی محلی و منطقوی را در ساختار رسمی دولتی بیاورد.

هر دو در سطوح مرکزی و اطراف جهت خنسی کردن و بی توازن کردن قدرت ها، علاوه بر آن دار و دسته های جنایت کار با حاکمان ولایتی سرو کار دارد. بطور مثال جهت تقرر اعضاء شان در پست های دولتی. این مذاکرات ممکن بر اساس قوماندانی جهادی، قومی^{۶۰} یا دلگرمی مشترک اقتصادی قرار داشته باشد.

^{۵۷} در افغانستان (برلین ریمر ویرلاگ ۲۰۰۳).

^{۵۸} این تحلیل ها از مصاحبه هائیکه طی سالهای ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۰ شده اخذ گردیده.

^{۵۹} وان بجلرت «بین دسیلین و صلاحدید: پالیسی پیرامون مقرری های بلند رتبه قیسطوح پاتین ملی (کابل افغانستان واحد تحقیق و ارزیابی ۲۰۰۹).

^{۶۰} قوم یک اصطلاح پیچیده سیاسی و اجتماعی افغانی است که اکثرأً به سادگی تفسیر میگردد به صفت قبیله یا اقارب بر اساس تعبیری قرارداد که استعمال میشود میتواند به صفت هویت گروه شروع از خانواده الی طایفه تعریف گردد.

غیر قوماندان جهادی بعضی های دیگر اند که مقام بلند در زمان جنگ افغان شوروی داشتند و داشتن مقام را حق قانونی خود میدانند یا هم قدرت نظامی در یک ولایت یا ولسوالی خاص.

نتیجه این عملکردها یک خواست چند جانبه پیچیده است (که هدف آن استقرار میباشد) و قابلیت خرید پست های دولتی (جائیکه یک بازیگر پولی به مصرف میرساند تا پول و منابع بیشتر بدست آرد، از طریق رشوه دهی یا دیگر انواع فساد شخصی و دولتی) عطف بر موضوع بحث خواست چند جانبه رئیس جمهور کززی عادت کرده یک لغت یا اصطلاح پُر معنی (مصلحت) را بکار ببرد تا توجیح برای تقرر هایش داشته باشد. مصلحت به معنی مباحثه و صلاح نمودن است. و درین متن به معنی در جستجو توازن از طریق مصالحه سیاسی است حتی اگر مصرف قصیر المدت را نیز در برداشته باشد. این موقف حین انتقال سیاسی منظور بود. ولی با گذشت زمان توقعات عامه مبنی بر یک دولت منتخب تغییر کرد عدم باور طریقه کهنه تجارت کردن پدیدار شد و اصول عیب جوئی و بدگوئی رشد نمود.^{۶۱} خرید و فروش پست های دولتی در سطوح پایانتز از سطح ملی از طرف دیگر میتواند آنرا سرمایهگزاری جهت دست رسی به منابع با مشروع بزرگتر دید. بطور مثال پست قوماندانی پولیس یک ولسوالی متفاوت است. (از تجارت مواد مخدر گمرک معادن اثار عتیقه قرار داد های نظامی الی کمک هائی بین المللی)^{۶۲} بازگشت به سرمایهگزاری چنین پست از استعمال اشکال مختلف فساد سیستماتیک بوجود آمده میتواند. چون فروش پست هائی پائین یا اختلاس بودجه دولتی، حفظ بخشی از پرداخت مالیات (فساد بین الدولتی) پرداخت زیادگی به شرکت های فامیلی (فساد عامه شخصی) یا اخذ رشوه از شهروندان در بدل خدمات بظاهر مجانی دولتی بطور مثال والی فرعی یک ولایت مهم جنوبی گفته می شود که از مدرک تجارت مواد مخدر و توريد اموال هفته یک میلیون دالر امریکائی در آمد دارد. مشابه این چندی دیگری وجود دارد که چگونه دایره فساد و قدرت کار می کنند در بین باند عمودی (بالائی) بین سطوح مرکزی و ولایتی ولی تفاوت های مهمی بین ولایات وجود دارد. بدخشان و بلخ بطور مثال تاریخ سیاسی متفاوت دارند. که به ساختار متفاوت حکومت داری رهنمائی میکرده. ارتباطات متفاوت بین مرکز و ولایات و اشکال مختلف فساد (چوکات ۲ دیده شود) بلخ یک ولایت غنی افغانستان است. ولی بدخشان یکی از فقیرترین آنها، موجودیت منابع مختلف اشکال متفاوت فساد و گروه ها را بوجود آورده.

با تطبیق یک گزینه که به تمام اهداف مطابقت کند، ممکن هدف لجام زدن مؤثر فساد را به شکست مواجه کند. بیدون غربال نمودن معضلات. استراتژی های خاص ولایتی باید اشکال فساد را نشانی کند که اکثراً تلاش های دولت سازی و علل اساسی آنرا صدمه میزنند.

نمودار ۲ رابطه و اتصال بین دستگاه های قدرت و فساد در دو ولایت:

در بدخشان، رئیس جمهور والی را بین سال های ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۹ تعیین نمود که متمایل به حزب اسلامی بود سعی می نمود که قدرت جمعیت اسلامبرآ تضعیف کند. بهر صورت قوماندان امنیه پولیس بدخشان وابسته به جمعیت وسیعی میکرد که مواد مخدر را از ریشه محو کند. بخاطر اشخاص متعدد به شمول شورای ولایتی - قوماندان امنیه توسط زورمندان آنولایت پشتیبانی میشد. که آنها نیز قوماندان های مشهور حین جهاد داشتند.

که مردم آنها را سایه والی میدانستند. که این اشخاص نه تنها کنترل بر قوه پولیس وعسکری داشتند. بلکه تعداد زیاد ملیشاه نیز داشتند. هر دو والی که او یکی از بازیگران بزرگ اقتصاد مافیائی بود. و پشتیبان های سیاسی اش "سایه والی" زورمندان بیدون داشتن پست رسمی و دولتی گفته میشد که همه کاره دولت بودند و پشتیبان های چون قوماندان پولیس ولسوالی ها و اعضای شورای ولایتی کنترل منابع را گرفته بودن چون ارسال مواد مخدر به تاجکستان، معدن لاجورد و تقسیم علفچر ها بین کوچی ها.

انواع مختلف فساد چون خرید و فروش پست ها - خرید مامورین دولت همدست شدن یا خاموش بودن حین فعالیت های جنایت کارانه و مصرف منابع دولتی توسط باند جنایت کار ازین همه اعمال گزارشات در دست است که مثل "پول رایج" در دست باند های مختلف استعمال می شود.

بلخ یک سیستم متفاوت روابط قدرت و باند ها را از سطح محلی به ملی به نمایش میگذارد.

رئیس جمهور یک تکنو کرات ترقی خوا را به صفت والی در سال ۲۰۰۲ تعیین کرد. منطق برای این استاد دانشگاه عبارت از ضعیف نمودن موقف و قدرت قبلی اش بود که یک فرد قوی منطقی یکی از قوماندان های بزرگ حزب جمعیت اسلامی افغانستان که در گذشته و حالای کنترل بر تعداد عظیمی از ملشیا در شمال کشور دارد. وضعیت امنیتی بلخ را خراب نمود والی جدید که کدام ارتباط با گروه های جهادی در آن ولایت نداشت بلافاصله تسلط اش را بر اردوی ملی پولیس و کل اداره از دست داد. در یک تلاش دیگر که باید تسلط دولت را در آن ولایت حفظ کند رئیس جمهور والی قبلی را مجدداً به مقام قبلی اش در ۲۰۰۴ مقرر نمود. از آن به بعد آنولایت نسبتاً در آرامش به سر میرسد. جنگ سالار قبلی یعنی همین والی موجوده کنترل بزرگ بالای شرکت های ساختمانی دارد. که اکثراً مربوط به وابستگان خود آقای والی می باشد. قرارداد های بزرگ مالی و ساختمانی توسط دار و دسته خودش به امضاء میرسد - ولی شرکت های که وابسته به دار و دسته آقا نیست کمتر موقع دریافت قرارداد را می یابند.

^{۶۱} مراتب هذا از مصاحبه هائی واضح برداشت گردیده که به منظور همین مطالعه صورت گرفته و در مکالمه روزمره واضح دیدیم می شود که با افغانها در مورد فساد صحبت شود. بدگوئی هائی عامه در مورد تقرری ها و تضامیم سیاسی که بر اساس مصلحت صورت گرفته حالا نقل مجلس همه در هر جاه است از دکاندار گرفته تا تکسی وان و غیره.

^{۶۲} یک مامور رسمی در ۲۰۱۰ در وزارت داخله بیک نویسنده گفت که پست قوماندان امنیه بگرام که دست رسی به پایگاه نظامی قوای ائتلاف دارد. بین دو گروه نیرومند در حال مذاکره است یکی از آنها متصدی موجوی را پشتیبانی می کند. مکالمات غیر رسمی با افراد نظامی بین المللی تأیید می کند اینکه ایشان ازین کار و بار خوب آگاهی دارد.

پرداخت بیشتر به شرکت های که مالکین آنها شرکت ها هستند (فساد شخصی حکومتی) و یا تحصیل رشوه از مردم برای انجام کار آنها در مراجع دولتی که خدمات آنها رایگان است. بطور مثال یکی از والی ها در یکی از ولایات مهم جنوبی گفته میشود که قصد اخذ یک میلیون دالر در هفته را از تجارت مواد مخدر و محصولات وارداتی داشته است.^{۶۳}

این مثال ها مبین حلقه های فساد و قدرت است که از داخل دولت و خارج از تسلط دولت به سطوح مختلف تغذیه می شوند.

مصلحت اندیشی دولت مرکزی تاثیر مستقیم بر بروز فساد و زور گوئی ها در سطوح ملی و پائین ملی دارد. اگر تصور کنیم که این فساد ها و خلاف کاری برای پُر نمودن جیب شخصی نیست ولی وسیله خوب برای نیل به اهداف گروهی است.

این دار و دسته های فاسد در فضای خاموش مشغول حمایه یکدیگرند. که همه شان از سیستم بهره میجویند این وضعیت چالش قابل ملاحظه در مقابل تلاش های ضد فساد قرار میدهد.

۲,۳ حلقه های بین فساد حکومت غیر ملی و ساختار دولت:

دولت هیچگاه کدام کاری برای ما نکرده مساجد سرک ها کانال های آب همه چیز توسط خود ما مردم قریه صورت گرفته . حتی امنیت هم بدست قوماندان است نه بدست دولت^{۶۴} چگونه ما از دولت اطاعت کنیم که همواره تلاش دارد اندک پول که ما داریم از جیب ما بکشد ؟

-دهقانان و رئیس شورا سال ۲۰۰۸ بدخشان.

این سخنان بتدریج ذهنیت عامه را در دهات که ۸۰ فیصد نفوس کشور را تشکیل میدهد تشریح میکند^{۶۵} رابطه بین دولت و ملت در افغانستان طی سالهای متمادی جنگ از هم گسیخته و در جارجونچال های تصاحب مقام ها بیشتر از هم فاصله می گیرد رابطه بین جامعه و دولت از اهداف اجراء هسته ای دولت است . هردو وابسته است به یک دامنه وسیع که چگونه شهروندان درک و باور میکنند بردولت و مسؤلیت هایش . ادارات کلیدی دولت چون پولیس و اداره مالیاتی ضرور باید توسط دولت مرکزی پیش برده شود . ولی این موضوع تحت دوران است که اجراءات شان داوری خواهد شد و قانونمندی دولت آغاز میگردد خدمات سخت ترمثل صحت و تعلیم از طریق موسسات فرعی ملی به هموطنان ارائه میگردد . اجراءات و قانونمندی شان درین سطح به بررسی گرفته میشود. حکومت فرعی ملی تا سال ۲۰۰۴ مسئله نبود در افغانستان و قتیکه ائتلاف بین المللی خواستن که قوماندانان محلی و منطقوی را کمک نکنند که همواره به صفت کمک کننده ((در جنگ علیه ترور)) استعمال میشدند .

راجل بون اساساً به ادارات مرکزی کابل سرکارداشتند مطالعات که توسط AREU بین سال های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۴ صورت گرفت اشاره بوجود ساختار حکومت فرعی ملی دارد و ساختار آنها را توصیه می کند.^{۶۶} به هر صورت پالیسی سازان در مرکز ملی و بین المللی مثل هم این ورز نه امید بکارنگرفتند. دولت افغانستان یک مبحث در مورد استقرار و توازن را به سطح ملی و غیر ملی مورد توجه قرار داد. اساساً برخواست که خوب سازماندهی نشده بود با تلاش های دوباره سازی موسسات رسمی و به تقرر مصلحت آمیز و سوال ها و والی ها آراسته گردید. دولت به خصوص رئیس جمهوری و اطرافینش پیوسته تلاش ورزیده اند که تقررهای شخصی را در سطوح پائین ملی بکار بگیرند و حمایت کنند به طریق که شکل رسمی شده اداره سازی را از بنیاد ویران کند و قتیکه خدمت اندکی به پالیسی ها معطوف گردد که عمل کرد های شان از بنیاد برکنده شود.^{۶۷} عمل کرد های (انتخابی) شخصی و اجاره ثی در سطح پائین ، مردم را از دولت دور نموده.^{۶۸}

برای محققان مواد مخدر و دفع سلطه جنائیت کاران غیردولتی بردولت یک سلسله پروگرام های ملی توسط دولت مرکزی افغانستان و جامعه جهانی روی دست گرفته شده.^{۶۹} NSP یکی از آنهاست به منظور حضور دولت در سطح پائین و خاصاً به سطح جامعه از طریق ساختار اداره ملی یکی از اهداف این پلان عبارت میباشد نمودن جنگ سالاران و یا دور نمودن تدریجی شان از مقامات تحت کنترل و قابل کنترل دولت به سطح جامعه به خاطر تشویق و انکشاف اقتصاد و سیاست.^{۷۰} ولی این تداخل با پروگرام معلوم نمیشد که تاثیر به روابط خویشاوندی و حمایتی به سطح پائین ملی داشته باشد. نسبت به این که در بالا بحث گردید اکتورهای غیرقانونی و غیردولتی همیشه در این اداره سازی آورده شده اند از طریق همان مسائل حمایه و خویشاوندی.

امتیاز و منفعت سیاسیون خویش و قوم پرست عبارت از آنست که به منازعات مسلحانه در مناطق غیر پشتون شمال خاتمه میدهند. و عقب گردی بزرگ آن به سطح پائین ملی مصالحه با جنایات سازمان یافته است. دارو دسته های با منافع به صفت افراد قلیل و خوب وابسته سیاسی شروع نمودند که پروسس و

۶۳ یک مصاحبه با یک تاجر در مزار شریف سال ۲۰۰۶.

۶۴ امنیت در حال حاضر توسط یک تعداد مختلف اکتور های دولتی و غیر دولتی تامین می شود. با وجود پولیس ملی و اردوی ملی افغان که است در بسیاری ساحات و قریه ها قوای ازبکی هم هست (مثلاً در ولایت پکتیا) ملیشه در شمال افغانستان که حین DDR خلع صلاح شدند دوباره مسلح شدند و اکتور های جنائی غیر دولتی بطور مثال آنهاست که امنیت انتقال مواد مخدر را با همکاری و تبتائی پولیس دولتی به عهده دارند. این سناریو (داستان) بیشتر پیچیده شده با موجودیت شرکت های امنیتی خصوصی.

۶۵ بازدید کنید از احصائیه مرکزی «بررسی نیازمندی و مخارج ملی ۲۰۰۷/۸ کابل جمهوری اسلامی افغانستان ۲۰۰۹» <http://www.nrva.cso.gov.afg> . ۶۶ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک رهنمود برای عمل کرد دولت خارج از کابل مشاهدات قبلی بر اساس ماموریت به هرات و فاریاب (کابل ۲۰۰۳) یک رهنمود به دولت در افغانستان ولایت فاریاب (کابل ۲۰۰۴ AREU).

۶۶ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان «راهنمای برای حکومت های محلی» کابل، ۲۰۰۳ "راهنمای دولت در افغانستان: ولایت فاریاب، کابل، ۲۰۰۴

۶۷ M وان بجلرت "بین دسپلین و صلاح دید"

۶۸ مصاحبه های متعدد ۲۰۱۰ ۲۰۰۵.

۶۹ الی ۲۰۰۵ این پروگرام ها جمع بندی گردید تحت چار پوب انکشاف ملی بعد از ۱۲ پروگرام هائی اولی ملی به شمول NSP که تحت چتر آینده افغانستان را امن سازید خانه پُری شده از ۲۰۰۶ این پروگرام ها همه بوده اند جزء از استراتژی ملی انکشافی افغانستان.

۷۰ حضرت عمر زاخیل وال ساختار دولتی را خارج از کابل توسعه میدهند پیشرفت و پوتانسبل برای پروگرام های انکشافی در صورت NSP برای وزارت احیاء و انکشاف دهات (کابل ۲۰۰۵).

ترافیک مواد مخدر را کنترل نمایند^{۷۱} و قتیکه در گذشته مفاد سکتور های غیر رسمی در دولت توسط قدرت سیاسی تعریف اساسی شده بوده بعضی مصاحبه ها نشان میدهد که دارو دسته های جنایت کار سازمان یافته هر دو قدرت سیاسی و مالی را تصاحب میکردند به منظور کنترل بخش های ادارات رسمی دولت را مثل پولیس، ولسوالان، و به یک اندازه محاکم را. به این انکشافات تاثیر گذاشته تلاش های دولت سازی را در سکتور زمین، انرژی و واردات قسمیکه گروه های منفعت جو خواستند تجارت نامشروع شانرا توسعه دهند و اندوخته های شانرا بکار ببرند. در نتیجه تاثیر سیستماتیک فشار از موضوع عنعنه پارا فراتر گذاشته و هم از مشکلات دولت داری به سطح پائین ملی و پالیسی ها به منظور احاطه بر آن باید که چنین ابعاد را به محاسبه بگیرند.

نه تنها موضوع مورد بحث گروه گرائی و حلقات فساد و رد و بدل کردن قدرت از دست بدستی در افغانستان روان است. بلکه این مطلب نیز روشن گردیده که استعمال ناجائز چند بعدی دوائر دولتی توسط جنایت کاران بالائی اکثریت تاثیر منفی بر یقین بین شهروندان و دولت گذاشته و قانونمندی را ریشه کن میکند. دریک اداره دولتی نسبتاً ضعیف که صرف یک حضور جغرافیائی نسبی در افغانستان دارد. پست های دولتی غصب و نگهداری میشود به منظور دسترسی به منابع و فربه سازی افراد یا گروه ها. درجه حضور دولت و همچنین ارزش « یونیفورم دولتی » (یک پست دولتی) به صفت یک منبع از هم فرق میکند. وابسته به آرایش قومی سیاسی و جغرافیائی یک ولایت یا ولسوالی. در سطوح ولسوالی یا ولایت یا محل ساختار دولتی از مخلوط ادارات رسمی و غیر رسمی ترکیب یافته. ضعف و ناتوانی درین سیستم غیر متجانس برای فساد و خلاف رفتاری زمینه سازی میکند، قسمیکه امکانات کرایه گرفتن، استعمال ناجائز قدرت و فساد از رشد رسمی اداره دولتی جلوگیری میکند، این مسئله یک حلقه بازخورد مستحکم چند بعدی را بوجود می آورد.

بدخشان مسئله ولسوالی و اخان

مثال ذیل از ولسوالی و اخان در بدخشان شرح میدارد که چگونه ساختار حکومت داری محلی توسط فساد نفوذ و سرایت کرده نه تنها شهروندان را از ساختار دولت نوشتگیل بیگانه نموده همچنین عملکرد و قانونمندی ادارات محلی را به مصالحه و سازش واداشته است.

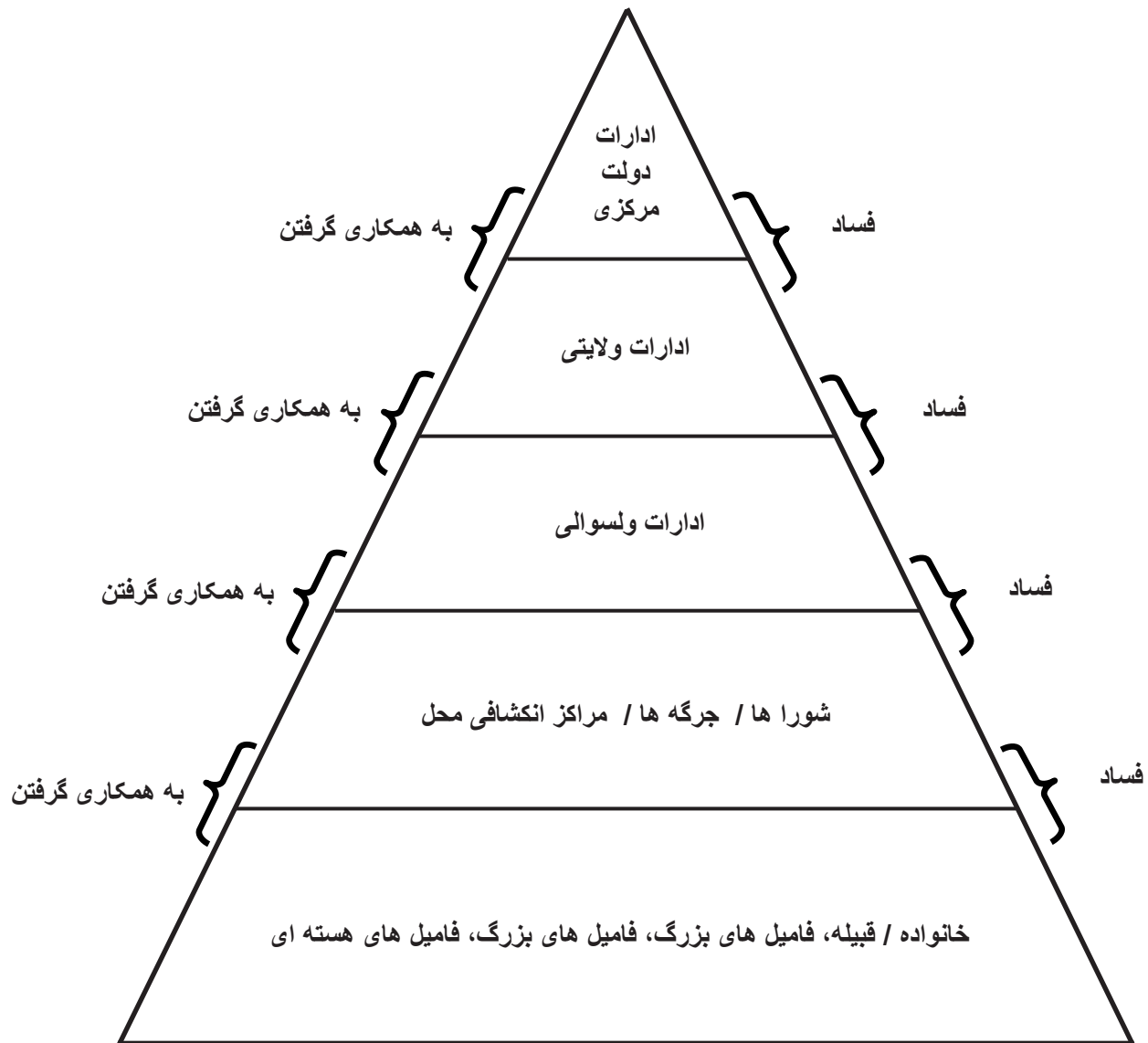
برای اینکه ساختار موجوده حکومت داری محلی رادرتنگی و اخان به فهمیم، لازم است که به تاریخ مختصر آن ولسوالی سرحدی مرور کنیم، فاصله زیادش از دولت مرکزی، مردم آن دیار را از فعالیت بازداشته و از کنترل منظم دولت مرکزی کنار زده است. طبیعت خشن آن خدمات عامه و پست های نظامی را در آن منطقه باعث عدم جذب کارمندان ماهر و باتجربه گردیده. قبل از کودتای ۱۹۷۹ تقرر ولسوال ها در ولسوالی های دور دست یک نوع مجازات بود. این پالیسی هنوز هم به صفت یک افزار سیاسی غرض ضربه زدن به خویش خوری و بهره گیری از منابع توسط حلقات خرید و فروش کننده مقامات بکار گرفته میشود. در حال حاضر و اخان، اداره ولسوالی آشکار شد حد اقل الی ۲۰۰۸ وقت آخرین مصاحبه نویسندگان در ولسوالی که باید غرق در عملکرد های پرفساد و قاچاق مواد مخدر باشد، در نتیجه مردم و اخان تلاش کردند که عمل ذات البینی را با اداره ولسوالی از بین ببرند، خاصاً ولسوالی، حتی در قضیه های مشکلات محلی.

طرفین قضایای جنجالی مجبور به پرداخت رشوت به ولسوال بودند بدون اینکه به جنجال شان خاتمه داده میشد. بعداً ایشان را به نزد بزرگان قریه و محل می فرستادند که ریش سفیدان جنجال شان را ختم کنند. از طرف دیگر ولسوال و اخان که بازمین داران بزرگ خوب وابسته بود، گفته میشد که به پیمانان وسیع در محراق فساد قرار داشت. دعوا کردن سهم اش از بزور گرفتن زمین که زمین داران بزرگ بالای اشخاص مقروض شان تحمیل میکرد. یک دهقان معتاد به مواد مخدر در قاضی ده دریک مصاحبه گفت: در سال ۲۰۰۵ که من به تریاک معتاد شدم و از این بابت مقروض شدم. و قطعه زمین کوچک خود را به ولسوال از دست دادم حالا من بالای زمین قبلی خود کار میکنم ولی در بدل کارم اجاره دار ولسوال مرا تریاک میدهد. ولسوال همچنین چندتن از اعضای شورا ولسوالی CDC؟ و معاونین را در و اخان به همکاری جذب نموده وسیله پرداخت رایگان تریاک به ایشان در بدل آن این افراد و ادار به تهیه یک سهم از بخشش های بزرگ و اطمینان دادن از نفوذ آقا در بین CDC شده اند. با تشویق حرکات پر فساد توسط دیگر سکتور های سازمانی، ولسوال و اخان به منابع مالی دولت دسترسی پیدا کرد ولی همچنین قدرت و قانونمندی CDC از بنیاد خراب گردید. از دور نمای وسیع تر ساختار رسمی دولت در و اخان هنوز هم حضور محدود و ضعیف دارد. قدرت آینده و چهره برجسته در و اخان همان قوماندان جهادی خواهد بود که شریک و همکار رسمی ادارات دولتی است که تسلط و فرمانروای برجامعه و اخان دارد. ساختار رسمی دولتی که از طرف دولت مرکز معرفی و تحمیل میگردد در سطوح پائین ملی با وجود قدرت دارو دسته غیر رسمی و مواجهه به کنترل و نظارت نیستند در و اخان میتواند یک منبع غنی برای فساد و دیگر منافع باشد که میتواند بار دوش مردم بی واسطه و فاقد ارتباط سیاسی در کابل را بیشتر کند.

بعضی از ادارات غیر رسمی مثل شورا بیک اندازه وجود و کار اداره سطوح پائین را جبران می کند و لی ولسوال ها و والی ها و قوماندان پولیس اکثراً از لباس یونیفورم دولت سؤ استفاده میبرند برای مخفی کردن یا اجراء فعالیت های جنایت کارانه، جهت تقویه فقدان ملاحظه شده حضور دولت.

در نتیجه ادارات محلی هنوز هم مورد اعتماد مردم افغانستان است. ولی ایشان از فشار و تهدید و تصفیه کاری های باند های جنایت کار که رابطه نزدیک با مأمورین دولت دارند زیاد رنج و مشکلات دیده اند. شکل ۲ تشریح میکند اهمیت ادارات قانونمند مختلف را در دهات افغانستان و فاصله بین قریه ولسوالی و سطوح ولایتی و مرکزی را.

شکل ۲ دولت ضعیف افغانستان شریک جرم و فساد شدن مردم را از دولت بیگانه و دور میکند.



۴. دست آورد های ضد فساد در افغانستان

۱،۴ چگونه دولت افغانستان فساد را مورد توجه قرار داده است

دولت افغانستان دو طریقه مجزا را به فساد برگزیده. که هر دو آنرا دولت درک نموده که متأثر از فساد بوده است همچنین از عوامل دیگری مثل کمک دونه‌ها هر دو طریقه میتواند صنف بندی گردد به قسم « جلوگیری » و « براساس تغییرات.

جلوگیری کردن

طریقه جلوگیری بر محراق شفافیت و فشرده‌گی قرار دارد. اکثراً بی‌دون وضاحت فساد را هدف قرار دادن. که این مطلب شامل تلاش ریفورم در بعضی کارهای بنیادی دولت مثل جمع آوری عواید تخصیص منابع و اداره مالی. اصلاحات قبلی در اداره مالی بطورمثال میتواند یک گام بسوی جلوگیری تلقی گردد. پیشرفت در این طریق متفاوت است مربوط میشود به وجود سیاست در سطح بلند تر دولت، شخصیت وزراء مسئول، ریفورم موفقانه صورت گرفت از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۶ معلوم میشود که با فساد از آن به بعد متأثر شده اند.^{۳۲} بطوری مثال وزارت مالیه زحمت کشیده تا مالیات جمع آوری کند از شرکت های شخصی مأمورین دولت در مصاحبه های گفتند که در این مطالعه کمپنی ها به مأمورین مالیه رشوت میدادند در داخل وزارت فهمیده شده که عده تاجران قیمت خرید و تمام شد و بعضی اموال را کمتر نشان میدادند تا کمتر مالیه بپردازند. بطورمثال تیم پژوهشگر داخل وزارت مالیه در آغاز سال ۲۰۱۰ دریافتند که یک تفنگ زیاده از ۱۰۰ دالر امریکائی ارزش دارد ولی هریک ۶ دالر امریکائی ثبت گردیده^{۳۳} گرچه ریفورم های درخور توجه در وزارت مالیه جریان دارد فقدان معلومات کافی و قابل باور در اجراء ریفورم درازد یاد درک فساد کمک میکند.^{۳۴} بیشتر تلاش های سیستماتیک جهت جلوگیری از فساد در دیگر وزارت های کلیدی یا سکتورها تا این اواخر کم بود، همرا با پالیسی سازمان ملی و بین المللی باخت یک روزنه مهم، موقع جهت گذاشتن تهداب ریفورم متداوم قبلاً در پروسه بازسازی. اگرچه طریقه جلوگیری مشکل است که در سیستم های ریفورم در آورده شود و هم در تغییر خصلت فرهنگ افراد و کولتیف ها که از یک سلسله کمبودات رنج برده و طور قاطع محدود کردن تأثیر پوتانسیلی آن. زیرا این طریقه مطلقاً با مسائل بستگی دارد. بطور کلی بر اساس برآور قرار داد. که موثرت بیشتر دولت حساسیت و شفافیت از فساد جلوگیری خواهد کرد. کمتر توجه گردیده روی درک ضربه اشکال مختلف فساد بالای موفقیت و تداوم این ریفورم ها. بطور مثال بررسی ها از نیازمندی به فساد صرف در ۲۰۰۷ آغاز شد در عده از سکتورها و اجرات سیستماتیک توصیه ها هنوز هم در حال تعلیق است. علاوه بر آن اجرا خدمات دولتی نیازمند همکاری چندین موسسات دولتی است ریفورم در محاکم بطور مثال نتیجه نخواهد داد الی اینکه در پولیس نیز ریفورم بوجود نیاید. تکیه بر شخصیت هر وزیر علیحده ممکن بر مشکلات در حساب دهی سیستماتیک منجر گردد.^{۳۵} همچنین فساد در سیستم تفری ها و ریفورم آن بطور سیستماتیک بررسی نگردیده است. اداره عالی نظارت (HOO) یک اداره ضد فساد با کار های جستجو و جلوگیری از سازه سازی طرز العمل ها آغاز نمود، برای اینکه از رشوه ستانی خورد و کوچک جلوگیری کند لذا بری یک چنین ریفورم، از اخذ جواز سیر موترها شروع گردید^{۳۶} گرچه HOO همرا FWA در پروژه مشابه کار میکند^{۳۷} تمام این ریفورم ها متمرکز شده در کابل توسعه ریفورم در ولایات توقع برده میشد که یک بار صورت گیرد یکبار که پراگرام راهنمای در پراپتخت به مرحله اجرا قرار گرفته است دیگر تلاش ها در مورد احساس مجریان خدمات عامه در مرحله تجربی قرار دارد. وزارت های مالیه و داخله در بین دیگران درین اواخر نمودار شکایات و خط سرخ را گذاشته اند. وقتیکه برخی از قیومیت HOO در یک اداره تطبیق شد که شکایات را متمرکز کنند در مورد وزارت های مختلف در حال حاضر بر نقاط عطف تکیه دارد در هر وزارت، با نمایندگی از مسئولیت بجواب شکایات در سیستم فشرده وزارت مربوط^{۳۸} ولی چه واقع خواهد شد اگر این سیستم ها مستحکم موجود نباشد یا انحصار گردد؟ دیگر برنامه های مشابه چون یک دفتر شکایات صحتی در حال حاضر صرف در صفحه کاغذ باقی مانده.

طریق ممانعت در سطوح متعدد مرکزی ادارات دولتی و سکتور ریفورم بکار گرفته شده ولی معلوم نمی شد که با صداقت و راستی همرا بوده باشد بسیار اندک سیستماتیک در پروگرام های ملی استعمال شد و در پالیسی های کاری در سطوح پائین مردم پروگرام همبستگی ملی (NSP) اکثراً تمجید گردیده برای تأثیر مثبت اش در سهام گیری، شفافیت، حسابدهی و در بعضی ابعاد در جلوگیری از فساد.

یک بررسی تفکیک کننده مفید خواهد بود (NSP) تا حال از فساد خالی نبوده (صفحه ۱۴ دیده شود) دست یابی های با ارزشی را به کار گرفته اند در اصطلاح روابط جامعه و دولت یقین بین اکتورها و کنترل کنندگان محلی فساد به هر صورت دیگر پروگرام های سطوح پائین ملی و پالیسی معلوم میشود که ایجاد گردیده.

^{۳۲} بانک جهانی «افغانستان: امور مالی دولت را اداره کردن برای توسعه» (کابل بانک جهانی ۲۰۰۵) بطور مثال سهل سازی دستور العمل ها برای سرمایه‌گذاران خارجی که نیازمند تاسیس پشتیبانی اداره حمایت از سرمایه‌گذاری افغان می باشند در نتیجه از ضرورت مندی برای پشتیبانی سکتور خصوصی به صفت ستون استراتژیک از تلاش های دولت سازی. کمک های دونه ها همرا با رهبریت تجدید نظر در ادارات مالی که توسط تلاش های سیستماتیک رهبری گردیده در بانک مرکزی وزارت مالیه.

^{۳۳} گفتگوی غیر رسمی با مقامات وزارت مالیه، جنوری ۲۰۱۰، کابل

^{۳۴} بطور مثال تبدیلی اخیریک رئیس بانک دولتی توسط وزیر مالیه. وسیعاً به صفت یک عمل پرفساد تلقی گردیده گرچه حقیقت ممکن چیزی دیگری باشد یک مامور رسمی نزدیک به رئیس کرسی گفت در یک مصاحبه در کابل مارچ ۲۰۱۰ که بر طرفی مذکور منظر محور اختلاص صورت گرفته بهر صورت رسانه های افغانی بخصوص تلویزیون طلوع این مطلب را رقابت های بین مأمورین دولت وانمود کرد.

^{۳۵} در حال حاضر، یکی از مراجع ملل متحد پول متذکره را از یک وزارت به وزارت با اعتبار دیگر انتقال داد.

^{۳۶} ثبت جواز سیر موتر بیشتر از ۱۵ امضا و ۵۰۰ دالر برای اشخاص و ۷۰۰ دالر برای شرکت ها مصرف داشت.

^{۳۷} مفکوره چنین است که پروسه های ارائه خدمات دولتی نقشه شود. یکباری که چنین شد، بعداً اچ او او بالای ساده سازی آن کار میکند.

^{۳۸} اچ او او «جمعآوری شکایات و معلومات» فبروری ۲۰۰۹.

در یک نوع خلا باصرف نظراز مراقبت، تحلیل و نشانی کردن مشکلات فساد. برای فساد و به سطح پائین ملی، ریاست مستقل ارگانهای محلی (IDLG) در سال ۲۰۰۷ تاسیس گردیده^{۷۳} که نقش مهمی را بازی میکند. یکی از اهداف آن محو فساد بخاطر اصلاح موثریت، شفافیت و حسابداری از دولت به سطح پائین ملی است. بهر صورت تا حال از اندک باور مردم افغانستان بهره مند است. و حتی برای زیاده از نصف مردم شناخته شده نیست.^{۷۴} همچنین ارگان های محلی IDLG در کمپاین انتخاباتی آقای کرزی ملزم بوده است. یک مسئله که مورد انتقاد قرار گرفت توسط رسانه ها و توسط دیگر کاندیدان از بسیاری والیان و ولسوالان مکرر گزارش میرسد به استیضاح های تلویزیون های افغانستان در ماه سرطان و اسد سال ۲۰۰۹ که به صفت مدیرهای کمپاین کننده آقای کرزی کارمیکردند.^{۷۵} دریک یادداشت بسیار مثبت ریاست مستقل ارگان های محلی IDLG یک رهبری رقابت سیاسی و تخنیکی دارد و توانستند که جهت دهند منابع را بسطوح پائین ملی، مسوده پالیسی سطح پائین ملی بطرز مشوره دهی و میکانیزم را درجایش کارگرفتن که روابط والیان و شهروندان را سهولت بخشید. به صفت یک ناظر نزدیک از IDLG گفت: والی فاریاب حالا جلسات منظم دائر میکند باشهرواندان و سعی میکند که حل مشکلات شانرا جستجو کنند به طرز بسیار شفاف و قابل دسترسی.^{۷۶} پالیسی حکومت داری به سطح پائین ملی دخیل در فساد است به طریقه ساده و نامناسب از مجریان فساد یادی هم نمی شود و فساد تصور میشود که قابل کنترل است از طریق یک معبر با پروگرام مجزا از عوامل دریافتنی آن.^{۷۷}

تاحال هیچ یک از ابعاد پیشنهادی توجه مبزول نمی دارد به سائل تقریری های حمایتی والیان و ولسوالان و هم در فساد در ادارات امنیتی. یک سلسله مشکلات جدی اینست که پالیسی سازان معلوم می شود که از امکانات از دست رفته قبلی درس نگرفته اند، که توجه کنند به فساد به سطح پائین ملی.^{۷۸} فساد هنوز هم توسط ارگان های محلی به صفت مشکلات دومی م برای حکومت داری و آرامی در سطوح پائین ملی تلقی میگردد. مشابه به آن استراتژی موقت انکشاف ملی در سال ۲۰۰۶ خواستند قویاً فساد را کم کنند در سطح پائین ملی، صرف در ختم سال ۲۰۱۳ بیدون مشخص نمودن کدام میانجی و جای خاص.

از دور نمای ساختار دولت با مسئولیت اندک سعی و تلاش صورت گرفته توسط دولت افغانستان که کشف کنند که از چه نوع فساد و خلاف کاری مردم افغانستان میخواهند که دولت به آن توجه کند هر دو به قسم تاثیر بر زندگی کارمندان و به قسم توجه شان برای یک دولت کار و قانون همچنین از آن وقتیکه فساد به صفت یک مسئله در اجندا عامه وارد گردیده یک عنصر مهمی فراموش شده که توجه بر ازدیاد نقش مردم در نظارت از دولت و از مامورین آن حساب گیری گردد.^{۷۹}

ضمانت اجرائیوی

راه دیگر بر اساس ضمانت اجرائیوی است که محرمانه وصل است به ایجاد دستگاه های ضد فساد و متخصص. اولین اداره ضد فساد GIAAC تاسیس گردید در ختم سال ۲۰۰۴ و مطابق بود به ختم دوره انتقالی.^{۸۰} در اوایل ۲۰۰۵ معلوم گردید که تلاش دولت بر ضد فساد دارد شکل سیاسی را بخود میگردید.^{۸۱} کارمندان قبلی اداره ضد فساد برای این مطالعه مساحبه کردند. و خاطرنشان نمودند که سعی شان به یک ولایت مشخص جهت داده شده که والی آن با رئیس جمهور و هم با رئیس اداره ضد فساد در عین زمان مشکلی داشت.

اداره ضد فساد توسط پارلمان منحل گردید در ۲۰۰۸ نسبتاً در عکس العمل با عدم بیطرفی آخرین مدیرش که در چندین رسوائی و افتضاح به شمول قاچاق مواد مخدر به امریکا دخیل بوده.

HOO در اخر سال ۲۰۰۸ ساخته شد. که یک نقطه ضعف داشت از آنچه GIAAC نیز رنج میبرد و مجبور بود که به قدرت قانونی مؤسسات تکیه کند که دوسیه های فساد را جستجو و بررسی کنند. این عمل همه کارهای را که مؤسسات بوجود آورده بودند از بیخ ویران کرد. فشاریکه توسط دولت امریکا و انگلیس و هم دیگر دونرها رهنمائی به پلان کرد، که باید یک داد گاه و یژه ضد فساد ایجاد گردد. و سارنوال ها استخدام گردند خاصاً توجه به تفحصات ضد فساد نمایند. در کنفرانس لندن بالای افغانستان در جنوری ۲۰۱۰ دولت افغانستان توصیه نمود که صلاحیت HOO توسعه یابد. که نظارت کند از تفحصات و اجرا دوسیه های فساد. نشست ۲۰۱۰ که اصلاحات و اندکی نیروبخشید HOO را توقع میرفت که تغییرات بیاورد بهر صورت HOO هنوز هم وابسته است به قضاوت محاکم و پولیس برای تطبیق قانون. HOO صرف میتواند تحقیقات ابتدائی را انجام دهد قبلاً از ارسال دوسیه به لوی سارنوالی. قانون دیگر مؤسسات دولتی را تشویق میکند که هم آهنگی و همکاری کنند با HOO. ولی معلوم نیست که چنین تلاش به نتیجه مطلوب برسد. مسئله بزرگ دیگر عبارت از امنیت افراد است که بر ضد فساد مبارزه می کنند. ولی تأثر تاوان هنوز هم مبنی بر اصول خوب سیاسی آن بر جای خود باقی است. بر حسب راه اعمال ضمانت اجرائیوی بالای دوسیه های فساد بر سطح بلند، توجه پالیسی سازان ضد فساد را هنوز هم بخود جلب نمی کند یک مسئله ای هست که فساد اندک و قلیل اکثریت مردم افغانستان را متأثر میکند و با آن بطور مؤثر بر خورد نمی شود. در جواب به این خیال دولت افغانستان قول داده که یک طریقه دولتی مکمل را بر گزیند. که

۷۹ ایجاد آی دی ال جی مبتنی بر ماده ۱۳۷ قانون اساسی است.

۸۰ سروی آی دیلیو ۲۰۱۰

۸۱ این موضوع در مصاحبه با منابع مختلف در دفاتر مبارزات انتخاباتی دو نامزد مشخص گردید.

۸۲ مصاحبه های متعدد.

۸۳ پالیسی حکومت محلی اقدامات متعددی را برای محدود کردن فساد در سطح محلی رویدست گرفته است.

۸۴ "نشریه استراتژی روی افتتاح آی دی ال جی" کابل ۲۰۰۸.

۸۵ بطور مثال، استراتژی مبارزه با فساد اداری تصویب شده برای مشاوره با جامعه مدنی فرستاده نشد.

۸۶ هنگامیکه جی آی ۱۱ سی حکم قانونی برای بازجویی تمام قضایای رشوه ستانی را داشت، روی قضایای فساد بزرگ افراد زورمند بشکل تحکیم رسمی و غیر رسمی تمرکز کرد.

۸۷ در بعضی حالات، تحقیقات به منظور امنیت ملی، متوقف گردیدند.

ممانعت و ضمانت اجرائیوی را در خود دارد که میخواهد تمام نهاد های دولتی سه اولویت را برای مبارزه علیه فساد تشخیص دهند.^{۸۸}

راپور آقای عظیمی توسط چندین اداره دولتی بکار گرفته شد. تحت رهبری قاضی القضاة عظیمی بین سالهای ۲۰۰۶ الی ۲۰۰۸ عین طریقه را برگزیدند. که نتیجه اسرانیوی ملی ضد فساد دولت افغانستان در سال ۲۰۰۸ گردید و به اسرانیوی ملی انکشافی افغانستان تقویه گردید به صفت اسناد قاطع مسائل بهر صورت بسیاری از توصیه های آن تا حال در عمل پیاده نه شده و اولویت دهی آن گم است

۲,۴ تفاسیر جوانمردانه ، اعمال دوجنبه ئی

بعد از انتخابات ریاستی ۲۰۰۹ که به پیمانہ وسیع متهم به تقلب گردید و کنفرانس ۲۰۱۰ لندن دولت افغانستان بسیار تفاسیر عام و جوانمردانه را برخلاف فساد ساخت در این مراسم تحلیف بطور مثال کرزی یکبار دیگر تعهد دولت را مبتنی بر ساختار یک دولت عاری از فساد تکرار کرد. هنوز هم وعده های مراسم تحقق نیافته و برعکس دیده میشود.^{۸۹}

در کنفرانس لندن دولت افغانستان دوباره تعهد کرد که یک مخلوط از امید و تأثر گردید . بر حسب یاد داشت رسمی ضد فساد دولت که در کنفرانس تقدیم گردید تلاش بر شش ساحه را در محراق توجه داشت که هیچ یک آن در حسابدهی مردم و دولت به شدت محکم هدف گیری نه شد. ولی صرف ساحه حساب دهی مالیاتی زمین ها تا به یک اندازه نقش مردم و جامعه ملکی را در ساحه حسابدهی و استحکام بوجود آورد.^{۹۰}

به هر صورت دولت افغانستان همچنین در کنفرانس لندن بیشتر وعده داد که زیاد تر دستور العمل ساده سازی و اداری متمرکز و مستقلانه از مؤثریت ریفرم نظارت کنند.^{۹۱}

یا داشت تصویری مختصر از فساد در سطح پائین ملی شرح داشت، و بر نیاز در ریفرم پولیس و برای میکانیزم های شنیدن و عمل کردن نا مشخص اندو هگین کردن جامعه تاکید میکرد به هر صورت از اشاره به سهم گیری افراد ملت و سازمان ها جامعه ملکی در مراحل سیاست و اداره صرف نظر کرد.

اعلامیه آخرین کنفرانس لندن ، مراجعات جزء وار تعهدات دولت افغانستان را در رابطه به فساد تقدیم کرد تا حال موجب انعکاس تأثر دولت افغانستان و دونر ها گردیده بجای اینکه از تمایل و شیفتگی روزمره ملت افغان نشانه ای باشد. که اکثراً در خدمت اساسی عامه خاصاً از ارائه عدالت و امنیت که در کنفرانس لندن بطور مؤثر تعهد و توجه نه شد.^{۹۲} اعلامیه همچنین تعهد دولت افغانستان را دارا بود که خدمات اصلاح شده را به سطح پائین ملی فراهم کند و جامعه جهانی را تشویق کند تا کمک ها بیشتری را در تریبه ۱۲۰۰۰ خدمت گاران ملکی در هسته کارهای اداری در کمک والیان و ولسوالان الی آخر سال ۲۰۱۱ ارائه بدارند.^{۹۳}

فساد بطور واضح یک مسئله اساسی و بزرگ در اجنداء سیاسی افغانستان گردیده. تلاش برای توجه به این مشکل واگیر بطور قابل ملاحظه توسط دولت افغانستان جامعه جهانی و انجمن های مردم افغانستان طی دوسال گذشته بیشتر گردیده است. هنوز هم این تلاش ادامه دارد که به آن خاتمه داده شود. که ممکن در تلاش به داشتن نتیجه سریع در یک ساحه که در آن با تعریف و تجربه بین المللی چشم پوشی شود. برای حصول یک تغییر مثبت وقت زیاد کار است . بخش اخیر این اوراق غرض تشویق تخفیف آگاهانه هدف گیری شده بالای اینکه چگونه فساد را در سطح پائین ملی هدف قرار داد. در صورت پیچیدگی عجیب و طبیعت سیمستمتیک فساد، این اوراق تنها میتواند در نوک این کوه یخ تماس بیگرد. (یعنی مشت نمونه خروار باشد) و از پالیسی سازان ملی و بین المللی دعوت میکند که در یک انعکاس مستقیم دخیل گردند در چنین سوالات بنیادی قسمیکه چه نوع اشکال فساد باید مورد توجه قرار گیرد به قسم اولویت تلاش های اولی ضد فساد چه باید باشد. و چگونه این تلاش پیشبرده شود.

۸۸ پریزیتیشن هیئت افغان در کنفرانس بین المللی لندن روی مسایل افغانستان، کابل ۲۰۱۰.

۸۹ حامیان سیاستمداران افغان، در ردیف های اول نشستند.

۹۰ ستون ها شامل: اداره منابع طبیعی بر اساس اداره ای ای تی ای؛ ارتقاء مسئولیت پذیری مالی دولت که تا دو سال آینده ۵۰ فیصد پول های کمک شده از طریق دولت مصرف گردند؛ رسیده گی به قاچاق اجناس؛ رسیده گی به فساد در اداره زمین؛ قرارداد های انتقال مواد و اموال؛ و بهبود مبارزه با مواد مخدر است.

۹۱ پروسه های کار دولت، مخصوصاً در مناطقی که مشکل زیادی میان دولت و مردم موجود است، اصلاح و ساده سازی میگردد.

۹۲ سروی آی دلبیو ۲۰۱۰.

۹۳ بند ۲۰: ابلاغ رسمی کنفرانس لندن روی آدرس <http://afghanistan.hmg.gov.uk/en/conference/communique> قابل دسترس است.

۵. مفاهیم و چالش‌ها:

فساد در افغانستان به پیمانۀ وسیع به صفت یک وسیله غرض تصاحب و حفاظت قدرت سیاسی و اقتصادی به تمام سطوح اداره دولت استعمال میشود. در ادارات رسمی و غیررسمی نفوذ کرده از سطح مرکز الی روستاها و درحال رشد میباشد. و نشئت‌ها شکننده سیاسی را بطور روز افزون تهدید میکند. و تأثیر منفی به عرضه خدمات اساسی دولت و قانونمندی دولت افغانستان و هم جامعه جهانی را بخاطر می‌اندازد و شکل بندی میکند افشاء گیری‌ها و رانندگان را متنوع میکند و براساس موضوعات سیاسی به سطح پائین ملی تفاوت میکند. و هم موقعیت جغرافیائی فعالیت‌های اقتصادی و محیط اجتماعی فرهنگی ولایات ولسوالی‌ها و حتی قریه‌ها را به اوقات تغییر میدهد. درعین زمان پالیسی سازان در افغانستان هنوز هم معلوم میشود که چندین نوع معین فساد را متحمل میشوند و اینها را در بقاء توازن وسیله مینندارند. به خصوص به سطح پائین ملی. وقتیکه آغاز گردیده که به سطح مرکز جستجو گردد. اشکال متفاوت رانندگان و دارو دسته فساد و اتصال به دستگاه‌های جنایت به سطح پائین ملی تا حال هنوز خوب فهمیده نه شده ویا هم جستجو نگردیده.

تلاش برای توجه به فساد به سطح پائین ملی معلوم میشود که از عین سرنوشت رنج میبرد به آنها نیکه وادار به نمایش آزاد زیاد ملی به سطح مرکز از ۲۰۰۸ به بعد گردیده اند.

تلاش دولت سازی فساد را در درجه دوم مشکلات تلقی میکند. و پالیسی‌های مربوط و پروگرام‌ها بطور سیستماتیک استراتژی‌ها را انکشاف نمی‌دهد که مورد توجه قرار دهد اشکال مختلف را به طریقه مناسب امکانات غرض تحکیم اندازه گیری ضد فساد از دست رفته همرا با یک دورنمای دولت سازی در پالیسی‌های متعدد سطح پائین ملی پروگرام و پروژه‌ها.

این بخش آخری مسائل اساسی را خلاصه میکند. که پالیسی سازان ملی و بین المللی باید آنرا در حساب بیگردند چنانکه دولت سازی به سطح پائین ملی و طروق ضد فساد را در افغانستان طرح ریزی میکنند. این مطلب همچنین مسائل فشرده را رویکار میکند که مستلزم سنجش و بررسی و جستجو دارندگان توده‌های بزرگ چندبُعدی است قبل از اینکه نظریات و توصیه‌های فشرده پالیسی توسعه داده شود.

۱,۵ درک کردن و فهمیدن فساد:

اهمیت مفهوم خاص و جنجال‌های حساس توسعه پالیسی بطور وسیع در تئوری بیان شده. ولی این تشخیص تا حال از گفتار به حقایق پیشرفت نکرده است. قسماً به دلیل عدم دانش کافی درباره فساد در افغانستان و اشکال آن، رانندگان آن، علل و عواقب آن طی مفاد از تجدید معضلات. راپور اخیر سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی (OECD) گفته است که:

”چالش ماحول‌های بعد از جنگ عبارت از نشانی کردن انواع فساد که اگر توجه نشود. میتواند تمام حرکات و طبقه بندی شفافیت، قابلیت حسابدهی و ضدفساد را در طی مراحل ساختار دولت مرکزی بطریقه که آرامش را تحکیم بخشد و در روابط جامعه و دولت باور را بوجود آورد از بین ببرد.“^{۹۴}

در این مورد، پالیسی سازان در افغانستان نیاز دارند مسائل ذیل را مطرح داشته باشند.

تحلیل مفهوم که دورنمای‌های دولت سازی و ضد فساد را با هم ترکیب دهد یک لازمه حتمی برای پالیسی ساختن میباشد. اگرچه چندین نوع فساد، خاصاً فساد خورد و کوچک در صحت، تعلیم و بخش انرژی ممکن در افشاء صورت و رانندگان عرضی در افغانستان مشابه باشند، دیگر اشکال فساد که به صفت وسیله برای قدرت سیاسی و اقتصادی تلاش دارد که در ولایات مختلف اشکال مختلف را تعقیب کند. یک فهم واضح از علل مشخص ابعاد سیاسی و ساختمان دستگاه فساد همچنین حلقه اتصال بین قدرتمندان در سطح پائین ملی مقامات دولت مرکزی برای طراحی مؤثر ابعاد ضدفساد حساس در مقابل معضلات بسیار دشوار میباشد. در خاتمه نظریات شهروندان بر مواد عملکردهای قابل تحمل و قبول، باورهای شان و ارزش‌های شان نیازمند است که حین طراحی پالیسی‌های ضد فساد برای توسعه قانونمندی دولت به حساب گرفته شود.

اشکال فساد که زاد دولت را بی قانون میسازد ضرورت است که مشخص و مورد توجه قرار گیرد.

گرچه فساد در افغانستان تاریخی و فراگیر است و مبارزه علیه آن نیازمند روش صادقانه میباشد، اولویت بخشیدن و ردیف کردن آن به طور کنترول کار دشوار است. با توجه به ساختار دولت پالیسی سازان باید اشکال فساد را هدف گیری کنند که در مقابل شهروندان افغان بسیار مضر و خطرناک است. که ممکن بجایگذارد چند نوع فساد بلند را و همچنین جنجال با اولویت‌های چند را. جامعه جهانی و پالیسی سازان باید یقین حاصل کنند که تلاش‌های ضد فساد شان باعث پشتیبانی عظیم و قانونمندی به نظر مردم میرسد. اشکال مختلف فساد ممکن آرامش و یا عدم آرامش را در ولایات مختلف و ولسوالی‌ها باعث گردد. و این ارقام و اشکال شاید بر مرور زمان تغییر کند بررسی‌های موجوده مستلزم حفظ دنباله این وضعیت‌های روشن و مجزا است. میکانیزم ضد فساد عنعنوی کافی نیست زیرا بسیار تمرینات ناقص عملکرد افراد را مجزا نه بلکه افزار برای منافع گروه‌ها و دارودسته‌ها میسازد. این مطالعه نور افشانی میکند بالای بافت پیچیده و چند قشری دستگاه‌های قدرت. که ساختار سطح پائین ملی افغانستان را تحت سلطه قرار داده. اعمال پرفساد خاصاً آنهایکه قانونمندی دولت افغانستان را

۹۴ هسمن و تیسنی "اصالت در دولت سازی"

صدمه میزند همواره پیش برده میشوند. نه تنها که یک افراد را غنی بسازد بلکه یک گروه را قدرتمند و منفعت میرساند. لذا میکانیزم ضد فساد استندرد معلوم نمیشود که راه حل های کافی را بمیان بیاورد. توطئه خاموشی اختیار کردن در بین اشتراک کننده گان در دوسیه سازی فساد داستان قبلی را بیشتر پیچیده میسازد. چوکات بندی فساد نه تنها به صفت یک گزینه از عمل فردی و دوری از نورم بلکه وسیله قدرت گروه و جزء از نورم موجود برای تتبع مناسب اقدام متقابل و واپس دهی مفید خواهد بود.

تفاوت بین تعریفات قانونی و سیاست و جامعه از فساد باید از بین برده شود.

فساد در حال حاضر به شکل ساخته شده تاریخی اش چوکات بندی شده است. چون رشوت خوری اختلاس و فساد کهنه در تهیه و تدارکات که رقم خاص خود را دارد یک تعریف قانونی و یک فرمان. اشکال هویدای فساد چون پول خواستن تجاوز جنسی اعمال نفوذ و فساد سیاسی به پیمان و وسیع نادیده گرفته شده در ریفورم قانونی و تنفیذ قانون بطور مثال ایجاد انحصارات تجارتي از طریق سازش با مأمورین عالی رتبه به شدت یک شکل فساد تلقی میگردد. چنین عملکردها به حدنهائی منجر به جریمه برای صاحب تجارت میشود وقتیکه عملکردها به شکل وسیع تر تشخیص میگردد منجر به جیس خواهد شد.^{۹۵}

فرضاً که اشکال جدید فساد از اجتماع طرد گردد، تأثیر منفی بالای قانونمندی دولت دارد. اینها باید تحکیم گردد در تلاش های ضدفساد آینده به سطح ملی و سطوح پائین ملی نه تنها تمام اعمالیکه توسط قوانین افغانستان و جهان صفت فساد تعریف میشود فساد تلقی میگردد توسط آنها نیکه قانون را اجرا میکنند. برای سالها سطوح بلندتر مأمورین دولتی یک روش و رفتار حوصله مند را پیش برده اند بسوی فساد نسبت به اینکه قوانین افغانستان آنها اجازه داده باشد.^{۹۶} بیانیه های دولت افغانستان و مأمورین دولت علیحده طی هشت سال گذشته تغییر کرده اند ولی محدود اکثراً باریک یا غیر مرئی تصور از فساد در بین مأمورین دولت هنوز هم ریفورم را به عقب می اندازد. با درآوردن تعریف قانونی سیاسی و اجتماعی از فساد بیک خط یک جزء اساسی برای ریفورم مؤثر است.

یک تفاهم مشترک از فساد نیازمند کوبیدن و پیش رفتن است بین دارندگان توده بزرگ در سطح پائین ملی.

ساختن یک تفاهم مشترک از فساد بین دارندگان توده بزرگ و مختلف در ولایات بنیاد انکشاف پالیسی سازی پروگرام کردن و اداره پروژه است ولی یک چالش خواهد بود بطور مثال دولت افغانستان به بازسازی ولایتی باید مشغول شود تیم (گروه) های مختلف ملت که فهم خاص خود را از فساد و تلاشهای ضد فساد در افغانستان دارند. بدگمانی باید ختم گردد. اولویت بخشیدن و پلان کاری دولت افغانستان نیاز دارد که فهمیده شود بطور مثال ضرورت است که برای بسیاری از دارندگان توده بزرگ تشریح گردد چرا محاکم و پولیس که تصور میشد ادارات مملو از فساد در سطح پائین ملی هستند در محراق تلاش های ضد فساد نیستند.

۲،۵ بازنگری طروق توجه به فساد

اندازه گیری های ذیل میتواند سهم به تلاش های بیشتر ضد فساد در سطح پائین ملی باشد. تعریف کنید اهداف کارتحت یک چپتر در آوردن ضد فساد را بیک محراق دولت سازی.

وقتیکه اکثر تلاش های ضد فساد در کشور تحت انکشاف در محراق قرار گرفته یا در تقلیل بخشیدن غربت، رشد سریع اقتصادی یا تقویه نقش قانون تلاش های ضد فساد در دولت شکننده بعد از جنگ نیازمند توجه خاص دولت سازی است. پالیسی سازان نیاز ندارند که عرابه را دوباره اختراع کنند ولی اینها باید با احتیاط مرور کنند بر اهداف کلی کار ضد فساد، تایقین حاصل کنند که توجه دارد بر اصلاح یقین بین مردم و دولت با تقویه عملکردهای بنیادی تا جاییکه جوابگوی توقعات شهروندان و تقویه قانونمندی و استقرار دولت باشد زیرا شهروندان بیشتر متاثر گردیده اند از فساد در سطح محل شان. تأکید باید صورت گیرد در افشاء فساد محلی، چنین یک طریقه مستلزم یک مرور به طریقه موجوده شفافیت، حسابگیری و ضد فساد است. همچنین از انتخاب اسباب مناسب استراتژییک.

خطاب به فساد سطح بلند و خورد و کوچک در عین زمان به لجام زدن فساد در سطح بلند توان بین استقرار و قانونمندی را ضربه میزند.

یک نگاه سیستماتیک بیشتر بر فساد ضرورت است. تفکیک گاه گاهی بین فساد بزرگ و خورد بیراهه رفتن است، فساد به پیمان کوچک توسط کارمندان پائین رتبه خدمات ملکی اتصالات چند بعدی با فساد بزرگ توسط کارمندان بلند رتبه دارد. هر دو شکل فساد اکثراً یکدیگر را توجیح تقویه و قبول میکنند در یک دایره فشار و قدرت (بخش ۳ دیده شود) از نگاه شهروندان افغان رشوت ستانی به سطح و پیمان کوچک نمی تواند به طور مؤثر و قانونمندی نشان گردد. بدون مهار کردن فسادها بزرگتر معافیت از مجازات برای افراد و دستگاه های آلوده به فساد های بزرگ مثال های غلط را برای آنها نیکه در فساد کوچک آلوده هستند مثل رشوه ستانی صدق میکند. افغانها همواره بیک مثل رجوع میکنند که معمای غیر قابل حل و عدم قدرتمندی خود شانرا تشریح میکند که چکنم آب از سرچشمه کلی آلوده است. در ذهن های شان یک طریقه به اساس تغییرات به فساد باید از مجازات بزرگان شروع شود.

به هر صورت مهار کردن فساد های بزرگ مشکل است بدلیل خسارات دریافت به پروسه سیاسی شامل سازش های اشتراک قدرت. قسمیکه قبلاً بیان گردید، پالیسی سازان ملی و بیبی المللی برای مدت زیاد مطرح بحث داشت اند که مبارزه علیه فساد کمتر ضروریست نسبت دریافت امنیت و استقرار نظام.

۹۵ مثال دیگری از اشکال جدید فساد در افغانستان، فساد بزرگان افغان است که در تسوید قوانین و ایجاد روابط قدرت با دید منفعت های شخصی و یا گروهی مشغول هستند.

۹۶ آی دلبلیو "سروی بازسازی سیستم اصالت ملی" کابل: آی دلبلیو (۲۰۰۷)

و مقامات افغان حساس بوده اند که به چالش بگیرند معافیت از مجازات را در ماحول فساد های بزرگ گرچه برای یک شفافیت بیشتر و طریقه حسابدگی بررسی خساره عدم توازن بخاطر از بین بردن به حد نهائی ممکن انجام با مهارت توسط دارو دسته های جنایت و فساد یک ضرورت احساس میگردد.

ضربه بیک توازن بین ضمانت اجراء یوی جنائی اداری و جلوگیری از آن.

تلاش های ضد فساد بر اساس ضمانت اجرائی بطور مشابه به چالش گرفته میشود بیشتر در سطح پائین ملی نسبت به آنچه سطح ملی بوده است تصمیم گیرنده گان سیاسی ممکن حاضر نباشند که چنین یک روش را مساویانه اجرا کنند. در تمام والایات که به طور قابل ملاحظه سر کرده را متأثر کند.

به محاسبه گرفتن نقصان عدم توازن در بسیاری ساحات و کارهای ساختن تشریک قدرت جاری معلوم میشود که بسیار مهم جلوکند نسبت به هدف گیری فساد. فقدان ظرفیت و قدرت قانون یک چالش دیگری در دفع روش به اساس ضمانت اجرائیوی در بسیاری از ولایات خواهد بود. ضمانت اجرائیوی اداری و سیاسی چون تنزل رتبه میتواند یک گزینه دیگر (الترنیتیف) جهت ضمانت اجرای قانون برای مأمورین دولتی آلوده به فساد باشد تنزل رتبه خاصاً میتواند تطبیق گردد که مأمورین رسمی بالفعل گرفتار گردد و یا اینکه اگر اینها قادر به پیشبرد زندگی خود نباشند بر علاوه طوریکه قبلاً بحث شد یک روش جلو گیری با دور بین دولت سازی باید در تمام پالیسی های بنیادی تحکیم گردد و پروگرام های با ارتباط ادارات به سطح پائین ملی روی دست گرفته شود.

جلوگیری ها متمم و طروق، بر اساس فرمان و ضمانت اجرائی با حسابگیری اجتماعی.

تلاش های ضد فساد به شدت تشریح شده به سطح ملی در دوسال اخیر بین دولت افغانستان و جامعه جهانی به مذاکره گرفته شد و لی ناکام ماند که ملت را هم شامل سازد وقتی تلاش های ضد فساد به سطح پائین ملی طراحی گردید این مطلب به صفت یک درس آموخته شده باید اعتراف گردد. شهروندان و سازمان های جامعه ملکی باید سهم بگیرند در دیزاین و مراقبت از چنین تلاش ها.

کمک های ضد فساد دونهها به جامعه ملکی تاحال محدود بوده است اکثر فند ها معلوم میشود که به HOO میروند ضرورت است که این کمک ها را نباید متمرکز ساخت بخاطر اینکه تعداد زیاد اکتورها (پازیگران) را در سهم گیری و کمک به تلاش های ضد فساد به سطح مرکز و سطوح پائین اجازه داد.

تلاش های ضد فساد در حال حاضر، توجه تقویه ادارات رسمی و دستور العمل ها صرف نظر از بسیاری رانندگان غیر رسمی وابسته داخلی به فساد که ضرورت است از طریق ریفورم های مؤثر وجدی. باید مهار گردد. قانونمند ساختن ادارات غیر رسمی در سطح پائین ملی (به شمول شوراها جرگه ها و ارباب ها) باید بیشتر از پیش به طور سیستماتیک مستحکم گردد به تلاش های ضد فساد. وقتیکه اینها اساساً ادارات وابسته به جامعه هستند میکانیزم موجوده میتواند توسعه داده شود به سطح ولسوالی برای اینکه مأمورین دولت را مورد باز پرس قرار دهد.

با اتمام حجت بر تاکیدات موسسات ضد فساد با مسیردان سالم و تصفیه نمودن نقش ها و مسئولیت ها:

چه آرزو ها و توقعات برده شده از موسسات تخصصی ضد فساد تا بر ضد فساد مبارزه کنند. فساد بر هر حالت و بخش تاثیر وارد نموده به تمام سطوح اداره افغان، ساختن یک لایه موسسه مسئول برای کم کردن فساد سیستماتیک چیزی نیست که موفقیت بار آرد. از طرف دیگر عدم اتصال بین تحلیل پالیسی و توسعه پالیسی اکثر منجر به تعین و گزینش پروژه های ضد فساد به تهائی می گردد. وقتیکه طریقه مسیر دادن سیستماتیک ضد فساد (تحکیم یک تحلیل واضح و روشن از فساد و طراحی جلوگیری مناسب، اخذ خبر و میکانیزم ضمانت اجرائیوی در پالیسی ها و پروگرام های ریفورم مربوطه) تا حال ریشه نگرفته. پالیسی بسیاری سکتور ها و پروگرام های ریفورم همچنین یک فهم درستی از فساد را ایجاد نمی تواند. چوکات بندی تشخیص شده، روشن با متن خاص و حساس در مقابل معضلات همراه با دورنمای دولت سازی باید در تمام پالیسی و پروگرام های مربوط سطوح پائین ملی تحکیم گردد. مشابه آن اندازه گیری ها به نشانی کردن از نهائی ترین اشکال مربوط فساد برای سکتور های خاص و یا ادارات باید با مسئولیت مشترک به منظور پیشرفت مسیر داده شود.

در حال حاضر HOO دیده نمی شود که یک دیدنمای خاص داشته باشد که چگونه فساد را در دفاتر ولایات و دفاتر ولسوالی ها مورد توجه قرار داد. دیده می شود که یک تفاهم موجود باشد، که این غلطی در قیومیت (IDLG) در عین زمان کشمکش های بین کمیسیون خدمات ملکی و HOO با عطف به مسئولیت به ترتیب شان جهت کم کردن فساد در تقرری ها و ساده سازی دستور العمل ها موجود میباشد. نقش و قیومیت هر موسسه باید بیشتر واضح روشن و نا محدود باشد. بجای محراق توجه بالای صرف یک موسسه ضد فساد، ظرفیت ها باید بالا برود و انگیزه های داده شده برای هم آهنگی بین تمام ادارات مشابه بیشتر گردد.

حلقه اتصال دادن تلاش های ضد فساد ملی و سطوح پائین ملی وقتیکه در ذهن ها مملو بماند.

مباحثات مختلف به هر سطح: طروق ضد فساد موجوده انعکاس میدهد ذهنیت امتیاز بزرگ دولت قوی مرکزی را و در سطوح پائین ملی بطور ضرور مفید دیده نمی شود. (مفیدیت اش در سطح ملی همچنین هنوز باید ثبوت شود) ثبت دارائی مأمورین دولت که اجازه میدهد از جلوگیری جنجال های منافع و مراقبت از سطح زندگی در سطوح پائین ملی تاثیر به سزائی نخواهد داشت جائیکه در ارائه خدمات کم کردن فساد از جمله طروق بسیار مربوط خواهد بود. ولی انکشاف ادارات دولتی بنیادی باید به صفت یک شیوه ممانعتی طویل المدت حفظ گردد یک ضرورت عاجل است که فساد مورد توجه قرار داده شود در بین ادارات مهم به سطح پائین ملی.

ساده سازی دستورالعمل ها که در کابل آغاز شده و در ولایات انعکاس خواهد یافت . در بر آورد که چه خوب است برای کابل همچنین آنجاه قابل دید است. بر آورد گردیده که ریفورم های دستورالعملی مشابه به عین شیوه در هر جاه صورت خواهد گرفت این مطلب دار و ر دسته های غیر رسمی را به محاسبه نمی گیرد. موسسات و تحرکات که مشابه هم مقاومت های مختلف را بوجود خواهد آورد در موقعیت های مختلف.

HOO خوش نیست که ظرفیت ، پشتیبانی سیاسی قومیت منابع بشری و مالی داشته باشد. که فساد را مورد توجه قرار دهد در هر موسسه دولتی در هر دو سطوح ملی و پائینتر ملی. مسیر کارش از بعد و تاسیس اش قبلا نشان داده. اساسنامه موسساتی و کسر در بودجه ها را علاوه بر آن تجربه بین المللی نشان میدهد که کمیسیون های ضد فساد همواره موفق نبوده اند و اینکه اینها همواره یک ریکارد ضعیف در سطح پائین ملی داشته اند.

اهداف تلاش های ضد فساد در سطح پائین ملی باید واضح ساخته شود و نباید مخالفت کند اهداف ضد فساد ملی را

تلاش های موجوده دونه ها جهت پشتیبانی تقویه حکومت داری به سطح پائین ملی، با محراق نزدیک بر ادارات محلی و عنعنوی ، ممکن قدرت موازی و هم ساختار اداری را بوجود آورد. تلاش های ضد فساد در سطح پائین ملی مواجع به چالش های مشابه هستند واضح نیست که چگونه تلاش هائی جداگانه ضد فساد طی پروگرام های سطح پائین ملی همه متصل هستند با شیوه و ادارات به سطح مرکز. و بطور مساوی واضح نیست چگونه تعهدات سیاسی دولت افغانستان غرض مبارزه علیه فساد به سطح پائین ملی ترجمه و تفسیر گردد.

موسسات دونه باید با مثال ها رهبری کنند

عملکرد ها و خصلت های معین جامعه جهانی دریافت شده که بیشتر فساد را در افغانستان تغذیه نموده. قدم اولی غرض توجه به این مسایل باید اجرا یک ریسرج (جستجو و تتبع) مقایسوی در سئوالات که چگونه و چطور جامعه جهانی فساد را تغذیه (تقویه) کردند اند (متصور به ارقام هر دو تعریفات فساد بین المللی و محلی) جهت توجه به آگاهی های از فساد در کمک شفافیت رو به ازدیاد توسط اکتور های بین المللی میتواند کمک و تقویه کند شهروندان افغان را و مورد توجه قرار دهد اندوه و رنج های مردم را و هم زمان قانونمندی دولت را نیز نیرو ببخشد. سهل ترین گام برای دونه ها که جهت اصلاح روابط دولت و جامعه بردارند عبارت از رهبری با مثال است. صرف قسمیکه دولت ها نیاز دارند که در خلاصه یک بودجه تولید کنند بزبان که شهروندان بفهمند ، دونه ها میتوانند یک کمک خارجی را فراهم آورند به اسناد خلاصه و روشن که شفافیت متعهد شدن را اصلاح کند.

هزینه و مصرف و بازدهی (نتیجه کار) دونه ها و موسسات اجرائیوی رهبری با مثال می تواند یک موضوع مهم و تکراری برای دونه ها و دیگر ساحات فشرده مربوط به استحکام مشارکت شان در افغانستان باشد. اینها بطور متداوم میتواند مستحقین و نیازمندان را در طراحی و مراقبت از تمویل کمک ها در پروژه ها دخیل سازند. تاکید بیشتر بر ساختار یا تقویه فرهنگ با همی در بین سازمان های خود شان و شرکاء شان که با هم کار می کنند صورت میگیرد (به شمول آموزش واضح برای باهمی و اتفاق میان همدیگر، کارآموزی در جریان وظیفه و نظارت مشارکتی) بوجود می آورد ارقام اساسی مشترک را در مراجعه بر قیمت های اشیاء و اجوره به شمول کرایه جایداد و پشتیبانی از ایجاد و مراقبت جائیکه اکتور های دولتی و غیر دولتی بتوانند در گفت شنود ساختاری ملاقات کنند.

نسخه چاپی این کتاب به طور رایگان در دفتر این اداره موجود است

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
جاده گلفروشی (نبش سرک ۲)
شهر نو
کابل، افغانستان
تلیفون: ۵۸۴ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+
ایمیل: areu@areu.org.af
وب سایت: www.areu.org.af

